[illegible]

[illegible]

[illegible]

باہتمام [illegible]

[illegible]

HECKED

بسم الله الرحمن الرحیم

سبحان الله وبحمده زهی صانعی که از خاک و نطفه انسان را آورده لم یکن شیئا مذکورا ومظهر جلال وجمال خود ومتصف بصفات کمال سمیعا بصیرا وبا این همه ضعف و ناتوانی وجهل ونادانی بار امانت را که زمین وآسمان تاب آن نیاوردند متحمل ساخته وکان ذلک علی الله یسیرا وهر یک را بجود وامتنان خود فرمود اما شاکرا واما کفورا وبرای شاکران نعمت وموحدان جنات النعیم مرتب ساخته واذا رأیت ثم رأیت نعیما وملکا کبیرا وبرای کافران که از نعیم مقیم ورب کریم روگردانی کردند عذاب الیم سقر ساخته سلاسلا واغلالا وسعیرا واز کمال رافت انبیا ورسل فرستاده مبشرا ونذیرا وتکمیل دین متین وتتمیم نعمت عظیم فرموده ببعثته خاتم النبیین سید المرسلین محمد صلی الله علیه وسلم داعیا الی الله باذنه وسراجا منیرا اللهم صل وسلم وبارک علیه وعلی جمیع الانبیاء والمرسلین وعلی الملائکة المقربین وعلی آله واتباعه واصحابه واحبائه الذین یوفون بالنذر ویخافون یوما کان شره مستطیرا

اما بعد از حمد وصلوة فقیر حقیر محمد ثناء الله عثمانی مجددی می نگارد که خوف وطمع از جناب الهی جالب جمیع خیرات وحاجز از جمیع مکاره وسیئات است واطلاع بر احوال قیامت مثمر این نکات لهذا این فقیر چند ورق درین باب بزبان فارسی بانتخاب واقتباس از بدور السافرة تصنیف امام همام علام شیخ جلال الدین بن شیخ کمال الدین

[illegible]

سید سروران محمد صلی الله علیه وسلم

خواننده بسوی خدا بحکم او

و چراغ روشن ای حضرت

بعزت و سلام و برکت

بر همه انبیا و رسولان

[illegible]

ابی بکر السیوطی رحمة الله علیه مینویسیم تا عامهٔ مومنین ازان متمتع شوند و این عاصی را بدعای حسن خاتمه و مغفرت ذنوب امداد و اعانت فرمایند والله المستعان و علیه التکلان و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم

باب اول در علامات قیامت که پیش از وقوع آن بظهور آید

نوع اول در علامات صغری در صحیحین از انس بن مالک روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم علامت قیامت آنست که علم برداشته شود و جهل زیاده شود و زنا و شرب خمر بسیار باشد و زنان بسیار پیدا شوند و مردان کم تا آنکه بر بیست زن یک مرد قیم باشد و در صحیحین از عبدالله بن عمرو از آنحضرت صلی الله علیه و سلم روایت کرده که علم از سینها یکدم محو نخواهد شد لیکن علما بمیرند و سرداران جاهل باشند بی علم حکم کنند گمراه شوند و گمراه کنند و [illegible] بن لبید روایت کرده که گفتم یا رسول الله علم چگونه [illegible] ما قرآن میخوانیم [illegible] وزند همچنان تا روز قیامت باشد آنحضرت فرمود من ترا دانا می دانستم نمی بینی یهود و نصاری توریت و [illegible] خوانند و بران عمل نمیکنند و مسلم از جابر از آنحضرت صلی الله علیه و سلم روایت کرده که دروغگویان بسیار باشند و بخاری از ابی هریره از آنحضرت صلی الله علیه و سلم آورده که کارها سپرده شوند کسان را که اهل آن نباشند و مسلم از ابی هریره از آنحضرت آورده که مردم از کثرت بلا آرزوی موت کنند و ترمذی از ابی هریره آورده که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرموده وقتیکه مال غنیمت را سرداران دولت خود دانند و مردم امانت را غنیمت شمارند و زکوة را تاوان دانند و علم را برای دنیا آموزند و مرد فرمان برداری زن و نافرمانی مادر کنند و یار را نزدیک و پدر را بعید کنند و در مساجد آوازها بلند کنند و فاسقان رئیس قوم باشند و ارازل [illegible] قوم باشند و از خوف بدی مردان را گرامی کرده شود و مطربها و معازف علانیه کرده شوند و خمر خورده شود و آخر امت اول امت را لعن کنند پس [illegible] را که سرخ رنگ باشد و زلزله و خسف و مسخ و قذف و دیگر علامات قیامت [illegible] چنانچه رشته گسسته شود و دانها که دران منتظم باشند فرو ریزند و ترمذی از علی رضی الله عنه این حدیث روایت کرده کم زیاده ازین و دران پوشیدن حریر هم گفته

فصل در ذکر محمد مهدی رضی الله عنه ترمذی و ابو داود از ابن مسعود از انحضرت صلی الله علیه وسلم
روایت کرده نخواهد رفت دنیا تا که مالک شود عرب را مردی از اهل بیت من که نام او نام من باشد
و نام پدرش نام پدر من زمین را از عدل پر کند یعنی از جور پر شده بود و ابو داود از علی رضی الله عنه
روایت کرده که بسوی حسن رضی الله عنه دید و گفت که این پسر من سید ست چنانچه رسول فرمود
صلی الله علیه وسلم از صلب او مردی پیدا شود که نام او نام نبی شما باشد مشابه باشد آنحضرت را در خُلق
نه در خَلق ابو داود از ابی سعید خدری از انحضرت صلی الله علیه وسلم آورده در صفت مهدی کشاده پیشانی
بلند و باریک بینی و ابو داود از ام سلمه از انحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده که بادشاهی بمیرد
آن زمان مردی از اهل مدینه برآید و بسوی مکه گریخته رود و او را مردم برای خلافت برآرند و او کاره باشد
و در میان رکن و مقام با وی بیعت کنند پس لشکری از طرف شام بروی فرستاده شود پس آن لشکر
در میان مکه و مدینه در زمین فرو رود و ابدال از شام و عصائب از عراق آمده با وی بیعت کنند
پس مردی از قریش برآید که اخوال او از بنی کلب باشند مهدی بر وی لشکر فرستد و بر وی غالب شوند
جمع خال یعنی برادر مادر ۱۲
و مهدی بسنت پیغمبر صلی الله علیه وسلم عمل کند و اسلام در وقت او آرام بگیرد
کند پستر بمیرد و مسلمانان بر وی نماز خوانند و در روایت مرفوعه از ابی سعید خدری نزد حاکم وارد شده
زمین را از عدل پر کند و اهل آسمان و زمین از وی راضی باشند آسمان در باریدن و زمین در رویانیدن
کمی نکند مردم آرزو کنند و گویند درینوقت اگر مردگان هم زنده بودندی خوش آسایش کردندی حدیث
در صحیحین ست که در آخر زمان خلیفه باشد که مال را بی اشمار قسمت کند بخاری و مسلم از ابی هریره روایت کرده از انحضرت
یعنی بسبب کثرت مال ۱۲
صلی الله علیه وسلم که قیامت قائم نشود تا که مال بسیار شود بحدیکه مرد زکوة برآرد و نیابد کسی را که قبول زکوة کند
یعنی کسی محتاج نباشد ۱۲
نوع دوم در علامات کبری مسلم از عبد الله بن عمر آورده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم اول آیات
طلوع آفتاب از جانب مغرب باشد یا خروج دابة الارض وقت چاشت هر یکی که از پیشها باشد دوم
قریب آن ظاهر شود وقال الله تعالی وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ … جْنَا لَهُمْ دَابَّةً
مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُو … لَا يُوقِنُونَ ۝

عه قوله ونه در خلق ای در خلق یعنی در سیرت باطنی مشابه نباشد و در صورت ظاهری یعنی بجمیع وجوه فاما بعضی جهات پس مشابهت در صورت هم آمده است کذا فی شرح المشکوة ۱۲

عه ای در میان حجر اسود و مقام ابراهیم ۱۲

عه ابدال گروهی از بندگان حق تعالی اند که زمین را بوجود ایشان قائم میدارد [illegible]

عه [illegible]

یعنی وقتیکه واقع شود حکم خدا بر مردم بقیام قیامت یعنی قیامت نزدیک رسد خارج کنیم برای
مردم دابة الارض که سخن گوید با مردم آنکه مردم بآیات ما یقین نمیداشتند و در قراءتی غیر متواتر تکلمهم
بفتح تا و سکون کاف و تخفیف لام آمده یعنی زخمی کند مردم را برای آنکه بآیات خدا یقین نداشتند
ابن عباس گفته که هر دو باشد با مسلمانان کلام کند و کافران را زخم رساند و در روایات احادیث
اختلاف ست در بعضی روایات آمده که روی او مثل روی انسان باشد صاحب لحیه و سائر بدن او
مثل پرنده باشد و در اکثر روایات آمده که چهارپایه باشد و در مکه از کوه صفا بر آید ابن عباس در حج بر
کوه صفا عصا کوفت و گفت که دابة الارض آواز این کوفت می شنود و بسیار عظیم الجثه باشد
ای کلان جسم ۱۲
عبد الله بن عمر گفته که سر او با بر [illegible] در زمین باشد و بغوی از ابی شریح انصاری از
انحضرت صلی الله علیه وسلم روای [illegible] ارض سه بار خارج شود اول در یمن ذکر او در صحرا باشد
و در مکه ذکر او نرسد تا [illegible] که برسد سوم بار در مکه بر آید سر خود را از خاک افشاند
و [illegible] گفتن نتواند و سخن گوید مسلمان را یا مومن و کافر را گوید یا کافر و در روایت
آمده که با وی عصای موسی و خاتم سلیمان باشد از عصای موسی بر پیشانی مومن نکته سفید نهد و لفظ مومن
نوشته شود و تمام روی او روشن شود مثل کوکب درخشان و کافر را نکته سیاه بخاتم سلیمان بر پیشانی
کند کافر نوشته شود و روی او سیاه شود و بعد ازان مردم را بشناسند و در بازار بگویند ای مومن نرخ چند
میدهی و در بعضی روایات آمده که خروج دابة الارض بحضور عیسی باشد عیسی و مسلمانان در طواف باشند
که زمین بلرزد و صفا شگافته شود و دابه بر آید لیکن در صحیح مسلم آنست که اول آیات طلوع شمس از مغرب
و خروج دابه است چنانچه گذشت جلال الدین سیوطی گفته که بعد دابة الارض امر معروف و نهی منکر باقی نماند
[illegible] ترمذی [illegible] خدری روایت کرده که رسول صلی الله علیه وسلم
[illegible] ست قائم نشود تا که سباع با آدمیان سخن گویند و تا
تازیانه و شراک نعل [illegible] چیزی که زن او بعد او کرده باشد و مسلم از حذیفه بن
اسید غفاری از رسول صلی الله علیه وسلم روایت کرده که قائم نشود قیامت تا که ده چیز پیش ازان نشانها

بظهور آیند دخان و دجال و دابة الارض و طلوع آفتاب از مغرب و نزول عیسی علیه السلام و یاجوج و ماجوج
و سه خسف یکی در مشرق دوم در مغرب سوم در جزیرهٔ عرب و آخر همه آتشی از یمن آید که مردم را بسوی محشر برد
یعنی زمین شام و در روایتی دهم بادی تند وزد که مردم را در دریا افگند و مسلم از ابی ذر از آنحضرت صلی الله
علیه و سلم روایت کرده که طلوع آفتاب از مغرب و دجال و دابة الارض هرگاه ظاهر شود بعد ازان ایمان کافر
و توبه مقبول نباشد و بغوی و غیره از حذیفه روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که علامات
قیامت اول دخان است و نزول عیسی علیه السلام و خروج آتشی از غار عدن که مردم را بسوی محشر برد
حذیفه گفت یا رسول الله دخان چیست آنحضرت این آیه خواند ۱ فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي
السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ يَغْشَى النَّاسَ هَٰذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ فرمود دخان از مشرق
تا مغرب در گیرد و چهل شبانه روز باشد مسلمانان را مانند زکام رسد و کافران را حالت مستی
روی دهد از بینی و گوش و دبر دخان بر آید و ابن مسعود ازین معنی انکار کرده و در صحیح بخاری است که ابن مسعود
گفته که چون قریش از آنحضرت کمال بدی کردند آنحضرت دعا کرد قحط بحدی شد که مردم استخوانها خوردند
و از شدت گرسنگی آنها را از زمین تا آسمان دخان بنظر می آمد لیکن بروایت حذیفه و غیره معلوم میشود که
دخان هم از علامات قیامت باشد و به ۲ قال ابن عباس و ابن عمر و حسن بصری

فصل قصهٔ دجال از رسول صلی الله علیه و سلم در صحیحین و غیره آمده که چشم راست او کور باشد و در
بعضی روایات چشم چپ و در میان هر دو چشم او کافر رقوم باشد هر کس از مسلمانان خواند کاتب
باشد یا نباشد جوان باشد ژولیده موی باشد از میان عراق و شام بیرون آید هفتاد هزار کس از یهود
اصفهان با وی باشند هر سو فساد کند ۳ چهل روز باشد یکروز برابر سال روز دوم برابر ماه روز سوم
برابر هفته دیگر ایام مانند سائر ایام مردم پرسیدند یا رسول الله دران روز که برابر سال باشد نماز پنجگانه
کفایت کند فرمود نه اندازه کرده میخوانده باشید و مثل باد تند در زمین سیر کند بر جماعتی آید که من
پروردگار شما ام با من ایمان آرید آنها ایمان آرند [illegible] را بگوید باران ببارد و زمین را بگوید پس
زراعت پیدا شود و مواشی آنجاعه فربه و شیردار شود و بر قومی دیگر بگذرد و آنها را همچنان گوید

۱ یعنی منتشر
باشند سوزی که
بهار دو آسمان
دودی ظاهر که
فرو گیرد مردمان
را این عذاب
دردناک است ۱۲

۲ یعنی قائل
است عبد الله
بن عباس
عبد الله بن عمر
و حسن بصری
رضی الله تعالی
عنهم اجمعین ۱۲

۳ یعنی بر زمین
چهل روز باشد ۱۲

آنها سخن او را رد کنند پس با لمهای شان هلاک شود و بر زمین خرابه بگذرد و بگوید که خزانهای خود بیرون آر
خزانهای زمین پیش روی او کنند مردی مسلمان پیش او آید پیشروان او گویند کجا میروی گوید بسوی
این شخص که برآمده است آنها گویند که تو با پروردگار ما ایمان نداری گوید پروردگار ما پوشیده نیست
گویند این را بکشید پس بعضی بعضی را گویند که پروردگار شما منع کرده است که بدون حضور من کسی را
نکشید پس او را حضور او برند چون مرد مومن او را ببیند گوید [illegible] ست که رسول صلی الله علیه وسلم
ازان خبر داده بود پس دجال گوید این را بگیرید و بزنید [illegible] و بزنند و بگوید که ایمان بمن آر او گوید
که تو مسیح دجال هستی آنزمان امر کند که او را از سر تا قدم از اره دو پاره کنند و خود از میان هر دو قطعه
بگذرد پستر او را بگوید که برخیز او زنده شود و برخیزد پس گوید که حالا ایمان بمن می آری مومن گوید که حالا
زیاده تر ترا دانستم که تو دجال هستی [illegible] که ای مردمان حالا هیچنین با کسی نخواهد کرد پستر او را دجال
بگیرد و خوا[illegible] ردکار نکند پس دست و پایش گرفته برتابد مردم
[illegible] ست و او بسوی جنت انداخته شود رسول الله صلی الله علیه وسلم
فرمود که [illegible] باشد در شهادت نزد خدا و با دجال صورت جنت و نار باشد چیزی را که مردم جنت
دانند جهنم است و چیزی را که جهنم دانند جنت است و در روایتی از روایات مذکوره در صحیح مسلم آمده
که دجال شخصی را طلب کند که جوانی در روی کامل باشد او را شمشیر زند و دو قطعه کند پستر او را بخواند
و او برخاسته بیاید آنزمان بخندد و خوش شود در همان حال عیسی علیه السلام بر دو دست بر
بازوهای دو فرشته نهاده بر مناره سفید شرقی دمشق فرود آید در حالیکه چون سر فرو کند قطرها
از سر او افتد و چون سر بالا کند ازان مثل دانهای مروارید فرو ریزد کافر اگر بسوی او رسد بمیرد و
دم [illegible] نکه نظر او رسد پس د[illegible] شود و او را نزد باب لد که دهیست نزدیک بیت المقدس
مسلمانان [illegible] محفوظ مانده بودند با عیسی جمع شوند و عیسی بر انها
شفقت فرماید [illegible] بشارت دهد پس ناگاه حق تعالی بسوی عیسی وحی کند که برآوردم
از بندگان خود بندگانی که کسی قدرت جنگ با آنها ندارد نگاهدار بندگان مرا بسوی طور پس حق تعالی

لد بضم لام و تشدید دال نام کوهی ست در شام و بعضی گفته اند نام دهی ست از دیهات بیت المقدس و بعض گفته که آن ده در فلسطین ست ۱۲ از ترجمه مشکوة

یاجوج و ماجوج را فرستد که از هر بلندی به پستی می آیند پس پیشروان آنها بر دریای طبریه[١] بگذرند
تمام آب آنرا بنوشند چون پس آیندگان آنها آنجا بگذرند بگویند که اینجا گاهی آب باشد پس سیر کنند
آنها تا که رسند بجبل خمر[٢] که کوهی ست نزد بیت المقدس پس بگویند که اهل زمین را کشتیم باشد که اهل آسمان را
بکشیم پس تیر بسوی آسمان اندازند حق سبحانه تعالی تیرهای شان را پر خون بازگرداند و نبی الله عیسی
علیه السلام و یاران او محصور باشند تا آنکه کلۀ گاو نزد آنها بهتر باشد از صد دینار نزد شما پس
روی آرند نبی الله و یاران او بدعا بسوی خدا پس حق تعالی کرمی در گردنهای آنها پیدا کند پس همه آنها
بمیرند پس عیسی و یاران او از طور بسوی زمین فرود آیند و یک وجب زمین از مردار و بدبوی یاجوج و ماجوج
خالی نیابند باز عیسی و یاران او بجناب الهی [illegible] تعالی جانوران [illegible] بفرستد که گردنهای آنها
مثل شتران بختی[٣] باشد آنها را برداشته [illegible] آنهای تیرهای ترکشهای شان
آنقدر باقی ماند که تا هفت سال مسلمانان [illegible] باران بفرستد که هیچ خانه از خشت
یا پارچه و پشم پناه ازان باران نتواند کرد پس تمام زمین را بشوید تا که صاف شود مثل آیینه پس
بفرماید حق تعالی زمین را که ثمرها رویاند و برکت باز دهد پس دران روز یک انار آنقدر باشد که جماعتی
بخورند و از پوست آن سایه کنند و در مواشی آنقدر برکت شود که یک شتر ماده شیردار کفایت کند
جماعات کثیره را و گاو ماده شیردار یک قبیله کلان را و بز ماده شیردار کفایت کند قبیله خرد را
همچنین باشند تا آنکه حق تعالی باد پاکیزه فرستد و مردم را از زیر بغلها بگیرد ازان باد همه مسلمانان
بمیرند و کفار باقی مانند باهم اختلاط کنند مثل خران بر آنها قیامت قائم شود و در صحیحین آمده که دجال
از مشرق بقصد مدینه آید پس کوه احد[٤] فرود آید حق تعالی او را از دخول مدینه محروم داشته ملائکه
روی او را بسوی شام گردانند و آنجا هلاک شود و آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرموده که هر که دجال را
دریابد آیات اول سوره کهف بخواند از شر او ایمن باشد و بیهقی از ابی هریره روایت کرده که
دجال بر خر باشد میان دو گوش آن خر هفتاد با [illegible] باشد باع مقدار قد آدم ست و در
صحیح مسلم قصه تمیم داری ست ازان معلوم می شود که دجال موجود ست محبوس ست

[١] طبریه نام دریاست
[٢] جبل خمر کوهی ست در شام ١٢ که آنجا درخت بسیار است و خمر بتحقیق درخت انبوه [illegible] شد زمین را ١٢ [illegible]
[٣] بختی قسمی است از شتران خراسانی دراز گردن ١٢
[٤] در حدیث [illegible] واصل نشود بمدینه [illegible] مسیح دجال در مدینه را [illegible] و یاران روز هفت [illegible] [illegible] باشند ١٢

در جزیره دریای شام یا دریای یمن و دخول مکه و مدینه دجال را میسر نه شود و
فصل [illegible] صحیحین از ابی هریره مروی ست که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که قریب ست که فرود
آید عیسی بن مریم حاکم عادل بشکند صلیب را که نصارا آنرا می پرستند و بکشد خوکان را یعنی
حرام [illegible] خوردن آن موافق شرع محمدی و جزیه نهد بر نصارا و غیره کفار از اینجا معلوم میشود که
نصارا بر کفر خود باشند و بعیسی گرویده نشده [illegible] کند تا آنکه کسی قبول نکند و
[illegible] سجده نزد مردم بهتر باشد از دنیا و ما [illegible] رسیده که شتر ماده جوان را گذاشته شود
[illegible] سعی نکند و عداوت و بغض و حسد در مردم نماند و مردم را برای گرفتن مال طلبیده شود و
کسی قبول نکند و نیز مسلم از جابر [illegible] که چون عیسی نازل شود امیر آن وقت بگوید که شما
امامت کنید و نماز [illegible] امیر باشد برای اکرام این امت و ابن جوزی از
عبدالله [illegible] وسلم فرمود که عیسی نازل شود و نکاح کند
[illegible] من در قبر من دفن کرده شود و روز
قیامت [illegible] در میان ابی بکر و [illegible] صحیح مسلم از عبدالله بن عمرو از آنحضرت
صلی الله علیه وسلم مرویست که عیسی هفت سال باشد و تطبیق این حدیث با حدیث سابق آنست
که بودن عیسی در زمین چهل و پنج سال ست از انجمله سی و هشت سال پیش از رفتن بسوی آسمان و هفت سال بعد نزول
فصل از ابی هریره در صحیحین مرویست که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که پیش از قیامت فرات
گنجی بیرون دهد از زر پس کسی که آنجا حاضر باشد باید که نگیرد از آن و روایتی در صحیح مسلم از ابی هریره
از آنحضرت صلی الله علیه وسلم آمده که فرا [illegible] زر بیرون دهد مردم بر وی جنگ کنند تا آنکه
از صد [illegible] کشته شوند و نه [illegible] باشم که نجات یابم و نیز مسلم از ابی هریره از آنحضرت
[illegible] هم روایت [illegible] جگر گوشهای خود را مانند ستونها از زر و نقره پس قاتل
حسرت کند و بگو [illegible] بودم و کسی که قطع رحم کرده بگوید که برای این مال قطع رحم
کرده بودم و دزد بگو [illegible] این دست من قطع کرده شده پس طلبیده شوند مردم تا که بگیرند و کسی آنرا

لیع قوله [illegible]
نصارا و غیره کفار [illegible]
حدیث شریف [illegible]
مصنف علیه الرحمه [illegible]
[illegible]
واز اهل فرود حاکم [illegible]
را با اسلام و قبول کرده
از زیادت سوای دین حق
و الله اعلم ۱۲
داعواض [illegible] دنیا ۱۲
از امامت نماز [illegible]
را امام گردانند [illegible]
دین محمدی [illegible]

از زر جواهرات کرده [illegible] علیه السلام [illegible] خالست و [illegible] آنحضرت [illegible] احادیث آمده [illegible]

تکمیر دا این هر دو حدیث بر ازمنه مختلفه حمل کرده شود شاید که در ابتدا برای گرفتن مال قتال کنند و آخر کار کسی قبول نکند والله اعلم و مسلم از عبد الله بن مسعود و انس و غیرهما روایت کرده که قیامت نخواهد شد مگر بر بدترین خلق کسی در زمین الله الله نگوید بعد وفات عیسی علیه السلام مسلمانان از بادی لطیف بمیرند و مردم معروف و منکر را نشناسند و شیطان متمثل شود و به بت پرستی دلالت کند و لات و عزی و ذو الخلصه را پرستند آن زمان نفخ صور شود و هر که شنود کج کند گردن را پس بمیرند والله اعلم نفخه اول ست که از آن بمیرند و در حدیثی آمده که نفخه اول نفخه فزع ست که از آن نفخه اهل آسمان و زمین در فزع و دهشت آیند از آن نفخه کوهها بپرند و مثل ریگ شده بریزند و زمین در لغزش آید چنانچه کشتی در دریا میلرزد و مردم از لغزش زمین مضطرب شوند و زمین خزائن و مردگان را که در زمین باشند بیرون افگند و زنان باردار اسقاط حمل کنند و بچگان و جوانان پیر و ضعیف شوند و شیاطین گریزند بسوی اقطار زمین پس ملائکه روهای شان را بزنند و باز گردانند و مردم بگریزند بعضی بعضی را ندا کنند آن زمان زمین بشگافد و آسمان مانند دوده شود و پس بشگافد و ستارگان بریزند و شمس و قمر بی نور شوند اینهمه عذاب بر شرار خلق باشد و مردگان را از این خبر نباشد همدرین حال چندی باشند بعد حکم شود اسرافیل را که باز در صور بدمد در آن دم همه بمیرند از انس و جن و شیاطین بعده ملائکه بمیرند تا که باقی نماند مگر جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل و حمله عرش بعده حکم شود جبرئیل و میکائیل بمیرند بعده حاملان عرش بمیرند و عرش را حکم شود صور را از اسرافیل بگیرد و اسرافیل بمیرد حق تعالی بفرماید لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ کسی جواب دهنده نباشد خود بگوید لِلّٰهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ

باب دوم در احوال روز بعث و نشور که پنجاه هزار ساله باشد تا دخول جنت و نار

بعد نفخه ثانیه یا اولی علی اختلاف الروایتین چون چهل سال بگذرند باران از عرش فرو ریزد بر زمین تا چهل روز تا که آب بالای زمین دوازده گز شود و از آن آب حق تعالی اجساد مردگان را بر دویاند چنانچه سبزه از زمین میروید چون جسدهای آدمیان کامل شود چنانچه بودند حق تعالی زمینی دیگر از نقره پیدا کند

از [illegible] دیگر ازند پیدا کند و مردگان را از زمین بر آن زمین اندازد بر پشت زمین و در شکم زمین پستر
[illegible] حاملان عرش را زنده کند پستر حق تعالی اسرافیل را زنده کند او صور از عرش بگیرد و
بر لب [illegible] جبرئیل و میکائیل و دیگر فرشتگان را زنده کند ارواح را طلب فرماید ارواح مومنان
[illegible] ان و درخشان و ارواح کافران بظلمت کفر و معاصی سیاه همه را حق تعالی در صور اندازد
[illegible] بعد اسرافیل صور بدمد ارواح با بین نفخه [illegible] ماننده نحل از صور بر آیند و بحکم الهی
[illegible] ن از زمین بر آیند رسول فرمود صلی الله
علیه وسلم [illegible] شم پستر [illegible] نور بر آیند مومنان وقت برخاستن گویند
الحمد [illegible] رَبَّنَا لَغَفُوْرٌ شَكُوْرٌ و کافران وقت برخاستن
[illegible] بعثنا مر [illegible] عَدَ الرَّحْمٰنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُوْنَ
[illegible] باعمال خود [illegible] ان با فاسقان و کافران با کافران رسول
[illegible] در میان ابوبکر و عمر پس برایم بسوی
بقیع پس [illegible] بقیع با من جمع شوند پستر بیایند بسوی من اهل مکه و مدینه و هر کس حشر کرده شود بر عملی که
نام مقبره مدینه شریفه ۱۲
بران مرده باشند شهیدان چون مبعوث شوند از زخمهای شان خون بر آید که در رنگ مثل خون و بوی مانند
مشک باشد و هر که در حج مرده تلبیه گویان برخیزد و هر که در شراب خواری مرده در مستی برخیزد و همچنین صاحب
هر عمل نیک یا بد در صحیحین آمده که همه کسان برهنه غیر مختون برخیزند اول کسی که پوشانیده شود ابراهیم
علیه السلام باشد که دو پارچه سفید نفیس از بهشت پوشانیده شود پستر رسول کریم صلی الله علیه
وسلم به بهتر ازان پستر دیگر رسل و انبیا پستر موذنان و در بعضی احادیث آمده که مردگان
در همان پارچه که مدفون شده اند بر انگیخته [illegible] شوند و بعضی گویند که آن شهیدان باشند که در پارچه شهادت
مدفون شده بودند و شاید که [illegible] پارچه خود مبعوث شوند پستر آن پارچه ها [illegible] برهنه
گردند پستر هر یک [illegible] ده شود و بعضی گویند مراد از پارچه اعمال صالحه است حق تعالی
میفرماید وَلِبَاسُ التَّقْوٰى ذٰ [illegible] پستر رسول صلی الله علیه وسلم بر براق سوار شود

[illegible]

وحسنین بر ناقه رسول کریم سوار شوند پس متقیان را بر ناقهای بهشت با زینهای طلا و مهارهای
سوار کرده بمحشر برده شوند و فاسقان را پیاده پا برند و کافران را بر رویهای شان کشیده برند و در
حدیثی آمده که هرگاه مردم از قبور بر ایند عمل او بر صورت انسانی با وی ملاقات کند عمل مسلمان به
نیکترین صورت و خوشترین بو بود بگوید مومن را که مرا می شناسی گوید نمی شناسم مگر آنکه حق تعالی چه
خوش داده است ترا صورت و بو بگوید که همچنین بودی تو در دنیا من عمل صالح توام در دنیا بسیار
بر پشت تو سواری کرده ام حالا تو بر من سوار شو یَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمٰنِ وَفْدًا
کنایه ازان است و عمل کافر به بد ترین صورت و بدترین بو با وی ملاقات کند و گوید که مرا می شناسی
گوید نمی شناسم لیکن چه بد کرده است حق تعالی صورت ترا و بوی ترا گوید همچنین بودی تو در دنیا
من عمل بد توام بسیار سواری کردی تو بر من اکنون من بر تو سوار شوم وَهُمْ يَحْمِلُونَ أَوْزَارَهُمْ
عَلٰى ظُهُورِهِمْ عبارت ازان است و چون از قبور بر آن شوند فرشتگان نویسندگان نیکی و بدی
همراه باشند و شاهد باشند بر انها مسلمانان را گویند لَا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ
الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ یعنی خوف مکن و غم مخور و خوش باش به بهشت که حق تعالی ترا وعده کرده بود
کافران و فاسقان بصورتهای زبون باشند نابینا و بعضی بر صورت خوک یا سگ یا بوزنه و
مانند آن باشند و ربا خواران مانند دیوزدگان استادن نتوانند و آنانکه مال یتیمان بظلم خورده باشند
چون از قبور برخیزند شعله آتش از دهان شان براید قال الله تعالی إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا
متکبران بر صورت مورچها باشند هر کس ایشان را پایمال کند و هر که بدون حاجت سوال کند چون
از قبر برخیزد بر روی او مضغه گوشت نباشد هر که بر قتل مسلمان به نیم کلمه تکلم کند نوشته شود بر پیشانی او
نا امید از رحمت خدا هر که بجانب کعبه بزاق انداخته بزاق او بر روی او باشد هر که دو زن داشته باشد
و عدل نکند روز قیامت یک پهلوی او افتاده باشد هر که در دنیا دو زبان باشد او را حق تعالی دو زبان دهد
از آتش هر که بمقدار یک وجب زمین غصب کرده باشد حق تعالی آن زمین را تا هفت طبقه طوق در گردن
سازد همچنین اگر کسی از راه مسلمانان گرفته باشد هر که از مال غنیمت شتر یا اسب یا بز یا دیگر مال

[illegible] متقیان را [illegible]
بارهای خویش را یعنی گناهان خویش بر پشتهای خویش ۱۲ فتح الرحمن
این کلام معترضست از کلام الهی [illegible]
[illegible] ۱۲
إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامٰى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا [illegible]

[illegible] ۱۲ فتح الرحمن

[illegible] ایت کرده باشد آن مال را حق تعالی برگردنش سوار گرداند هر که زیاده از حاجت عمارت کرده باشد
[illegible] د که این عمارت را بر دوش خود بردار هر که زکات مال نداده باشد زر و سیم او را با آتش دوزخ
[illegible] او را داغ داده شود و شتران و گاوان و گوسفندان را اگر زکات نداده باشد آن جانوران تا
[illegible] او را بدوش بگذرند و او را پا [illegible] هر که [illegible] ند اگر چه بر ده کس حکم رانده باشد آورده شود
[illegible] نش بسته اگر نکوئی و عملی [illegible] ایت [illegible] ظلم کرده باشد طوق
[illegible] سوال [illegible] اند و به [illegible] سیده دارد و او را از آتش ب
[illegible] در قرآن [illegible] ده شود و اسلام و قرآن و اعمال صالحه شفاعت
تاج بر سر نهاده شود رسول فرمود صلی الله علیه و سلم [illegible]
الله اکبر ابن ابی الدنیا از ابن عباس روایت [illegible]
ازرق چشم کریه المنظر آورده شود او را اخلاق [illegible]
صورت ۱۲
(۲) ه من معرفة هذه گفته شود
[illegible] رحمت مو دید و بغض میکرد دید پس او را در
دوزخ انداخته شود پس بگوید ای پروردگار اتباع و پیروان من کجا هستند حکم شود که اتباع و
پیروان او را نیز با وی بیند از ند شعر بروز حشر شود هیچو روز معلوم است * که با که باخته عشق در شب دیجور
و بیهقی از عباده بن الصامت و عمرو بن عبسه روایت کرده که دنیا را آورده شود و آنچه در دنیا برای
خداست از آن جدا کرده شود و آنچه برای غیر خداست در آتش انداخته شود و آنحضرت صلی الله علیه و سلم
فرمود سه چیز زیر عرش باشند قرآن و امانت و رحم و شفاعت کنند رحم گوید هر که وصل کرده الهی
با وی وصل کن و هر که قطع کرده الهی [illegible] قطع کن و در احادیث آمده که اسلام و اعمال و قرآن و امانت
و رحم و ایام دنیا و موت و [illegible] مصور شوند بعضی علما تاویل میکنند و میگویند که از اعمال نیک
صورتهای خوب و از اعمال بد صو [illegible] میزان نهند و اصحاب کشف این همه احادیث را بر صور مثالیه
بهاها ۱۲
حمل میکنند لیکن ایمان بدان باید آورد [illegible] ن از آن تاویلات نتوان کرد و بحث از آن نباید نمود

[illegible]

فصل در ذکر کوثر چون مردم از قبور بر آیند تشنگی برانتها غالب باشد و پیغمبر را در آن روز حوضی باشد و
هر امتی را علامتی باشد که نبی شان از این علامت امت خود را بشناسد و سید الرسل صلی الله علیه و
سلم را حوضی باشد بنام کوثر بمعنی خیر کثیر طول و عرض آن یکماهه راه باشد آب آن سفید تر از شیر و
شیرین تر از عسل و سرد تر از برف و خوشبو تر از مشک و در آن آب کوزها باشند مانند ستارگان
زمین او از یاقوت و مرجان و زمرد باشد و در آن دو میزاب از بهشت افتند و علی [illegible]
آنسرور صلی الله علیه وسلم آن با [illegible] در روشن باشند [illegible]
رضی الله عنه ساقی باشد هر کرا از آن آب داد آنسرور [illegible] گویند که ورود
بر حوض بعد گذشتن از صراط باشد و بعضی پیش از [illegible] گویند و [illegible] بعضی کسان را وقت
برخاستن از قبور داده شود و بعضی را بسبب عاصی [illegible] داده شود بعد خلاصی از دوزخ
پیش از دخول جنت داده شود تشنگی برداشتن و سوم سبب خوردن آب کوثر [illegible] مشرکان را
آب کوثر نصیب نیست و علما گفته اند که اهل بدعت یعنی روافض و خوارج و معتزله و مانند شان
نیز از آب کوثر محروم باشند و اهل کبائر را بعد خلاصی از دوزخ آب کوثر رسد

فصل چون مردم بمحشر جمع شوند دوزخ را آورده شود هفتاد هزار باگ بر هر باگ هفتاد هزار فرشته
وقتیکه دوزخ بر صد ساله راه از خلائق باشد بجنبد و حمله کند بقسمی که انبیا و ملائکه از خوف وی
بر زانوها افتند و نفسی نفسی گویند و رسول کریم صلی الله علیه وسلم امتی امتی گوید حق تعالی فرماید
أَوْلِيَائِي مِنْ أُمَّتِكَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ سرد خواهم کرد چشم ترا در حق امت تو
یا محمد و آفتاب نزدیک شود در آن روز بقدر یک میل و حرارت او زیاده کرده شود مردم در عرق
غرق شوند بقدر گناهان شان بعضی تا شتالنگ و بعضی تا زانو و بعضی تا کمر و بعضی تا دهن علما گفته اند
که این از خوارق آن روزست که در زمین برابر متفاوت در عرق غرق شوند و در آن روز سایه اعمال صالحه
باشد بسبب اعمال صالحه و دوام ذکر خدا و عدالت حاکم و رحم بر ضعیفان و ترسیدن از خدا
و تعلیم قرآن و محبت داشتن با صالحان خالصا لله و حسن اخلاق و صله رحم و مانند آن در سایه عرش خدا باشد

یعنی دوستان
من از امت تو
نه ترس است
بر ایشان و نه
اندوهگین شوند ۱۲

کسانیکه خالصاً لله نی واسطهٔ قرابت و مانند آن باهم دوستی کنند و مردم را دوستی خدا دهند و با خدا دوست سازند دران روز آنها را حق تعالی بر منبرهای نور نشاند که انبیا و شهدا ازان غبطه کنند و کسانیکه علم [illegible] بمردم آموزند [illegible] زیر قبها از سیم نشانند که مرصع باشند بمروارید و یاقوت و پوشش آن قبها [illegible] سندس و استبرق باشد [illegible] مردم در عرصات در عرق غرق و محبوس باشند و از [illegible] کنند که ازان [illegible] شفیع طلب کنند اول از آدم پس از نوح [illegible] قدرت شفاعت نیابد آنگاه [illegible] پیش عرش مجید آمده سر بسجده نهد آنگاه [illegible] کرده بودی بمن قبول شفاعت من [illegible] کردم و برای قضا می آیم رسول فرمود صلی الله علیه [illegible] آسمان بپایین فرود آیند و زمین از انها پر شود [illegible] که [illegible] باشند [illegible] بسته بایستند پس اهل آسمان دوم بسیار زیاده از اهل زمین و اهل آسمان اول پس اهل آسمان سوم زیاده از و همچنین جمیع اهل آسمانها فرود آیند هر یک زیاده از ما سبق پس حق تعالی نزول فرماید فِي ظُلَلٍ مِّنَ الْغَمَامِ مراد از نزول والله اعلم نحوی از تجلی باشد پس حق تعالی در جانوران حکم بقصاص فرماید هر بی شاخ از شاخدار عوض گیرد و اگر انسانی عصفوری را عبث بکشد عصفور فریاد کند یا رب این شخص مرا بی فائده کشت نخورد نه منفعت گرفت و نه زنده گذاشت در زمین تو رسول فرمود صلی الله علیه وسلم زنی بسبب گربه در دوزخ رفت او را بسته داشت و طعام نداد و نه در گذاشت تا از حشرات زمین بخورد و شخصی شتری را علف نداد و آب [illegible] علیه وسلم فرمود که این شتر با تو روز قیامت خصومت خواهد کرد و چون قصاص جانو[illegible] بفرماید که خاک شوید همه خاک شوند کافر گوید کاشکی من هم خاک میشدم پس حق ت[illegible] را طلب کند و بفرماید که پیام من بخلق رسانیدی گوید رسانیدم امت او را طلب [illegible] نوح پیام من بشما رسانیده آنها انکار کنند همچنین از دیگر انبیا

واستان ایشان سوال کنند کافران منکر شوند حق تعالی از انبیا شهود طلب کند گویند امت محمد صلی الله علیه وسلم
شاهد ماست امت محمد صلی الله علیه وسلم را طلب کنند اینها شهادت دهند که انبیا راست گویند گفته شود
که شما از چه دانستید گویند که پیغمبر ما کتابی از تو آورد و خبر داد که انبیا تبلیغ کردند حق تعالی بفرماید که راست
گفتید و پیغمبر ما صلی الله علیه وسلم گواهی دهد بتصدیق امت خود رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که سه عرض
شود در روز قیامت اول آنکه کفار جدال کنند یعنی انکار کنند از کفر دوم حق تعالی حجت آورد بر [illegible]
علیهم السلام عذر تعذیب آنها ظاهر کند و حجت بر ایشان قائم کند سوم آنکه نامهٔ اعمال [illegible]
آنحضرت صلی الله علیه وسلم میفرماید که نامهٔ اعمال همه زیر عرش باشند حق تعالی بادی بفرستد که نامهٔ اعمال
هر یک پریده بدست او افتد مومنان را در دست راست [illegible] ان را در دس[illegible] پشت اول سطر
آن باشد اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَى بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا یعنی بخوان نامهٔ اعمال خود را
کفایت میکند نفس تو بر تو حساب کننده و در حدیث آمده که خوشی است کسی را که [illegible] استغفار بسیار باشد

و اعضای انسان بروی شهادت دهند بر احوال او و مکانها و زمانها نیز

آدم علیه السلام را حکم شود که از اولاد خود برای دوزخ جدا کن گوید چه قدر
بهشت و نه صد و نود و نه به دوزخ و میزان قائم کند حق تعالی تا نیکی و بدی مردمان را در آن سنجند
میزان را لسان باشد آنچه در دست میگیرند دو پله باشد بقسمیکه اگر آسمانها و زمینها در آن سنجیده شود
گنجایش دارد صاحب میزان جبرئیل علیه السلام باشد کافران را در میزان مطلقا وزن نباشد
حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ در حق شان است در صحیحین از ابی هریره مروی است که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم
آنکه آورده شود مردی فربه و تازه و او را بقدر پر پشه وزن نباشد و این آیت خواند فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ
يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزْنًا و در حدیثی دیگر آمده که جزای حسنات کفار در دنیا داده شود و برای آخرت
از ایشان هیچ حسنه باقی نماند و مومنان را حسنات در یک پلهٔ ترازو نهاده شود و سیئات در پلهٔ دوم پس
اگر سیئات از حسنات زیاده باشد اگر حق تعالی خواهد ببخشد اگر خواهد عذاب کند و اگر از سیئات
یک حسنه هم زیاده شود آن حسنه را حق تعالی فراخ کند و او را ببهشت برد بزار و بیهقی از انس

[illegible]
عملهای ایشان
پس برپا نکنیم
برای ایشان
روز قیامت
وزنی را

[illegible] آن حضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که چون ابن آدم سنجیده شود اگر میزان او ثقیل شود

[illegible] همه خلق بشنوند این شخص نیک بخت شد بدبخت هرگز نخواهد شد واگر میزان او

سبک [illegible] س بدبخت شد هرگز نیک بخت نخواهد شد در احادیث آمده سُبْحَانَ اللهِ

[illegible] وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ پری میزان است وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ راجح تر است از جمیع خلائق

[illegible] ینین و ولد صالح کسی بمیرد و صبر کند و [illegible] صلی الله علیه وسلم فرستد و دیگر حسنات

[illegible] میزان او [illegible] از عمران بن حصین [illegible] الله علیه وسلم روایت کرده که سیاهی

[illegible] شد سیاهی علما بر خون شهیدان افضل باشد واز جما

[illegible] میزان حسنات کم دیده شود ناگاه مثل ابرها در میزان او

آیند گفت [illegible] که این الست [illegible] دم را علم آموخته واین چیز از و جاری مانده

[illegible] شد میزان او ناقص باشد و چون دم

[illegible] دوزخ محیط محشر باشد گردنی از آتش دوزخ برآید

[illegible] و بگوید قسم بعزت پروردگار من بگذارید مرا با ازواج من گویند ازواج تو کیستند

گوید هر متکبر جبار نافرمان پس برچیند آنها را چنانچه مرغ دانها می چیند و در شکم خود کند و باز همچنین کند و بگوید

بگذارید مرا با ازواج من بگویند کیستند ازواج تو گوید كُلُّ خَتَّارٍ كَفُوْرٍ یعنی عهد شکن ناسپاس

آنها را بچیند و در شکم گیرد باز مرتبهٔ سوم همچنین کند و گوید بگذارید مرا با ازواج من گویند آنها کیستند

گوید كُلُّ مُخْتَالٍ فَخُوْرٍ یعنی معجب خودپسند فخر کننده و در حدیثی آمده که گردنی از آتش برآید که

آن را دو چشم باشند و زبانی فصیح و بگوید که من امر کرده شده ام برای کسی که با الله معبودی دیگر گیرد

و بهر جبار عناد کننده ناحق و بکسی که قتل کرده باشد نفسی را بغیر نفس پس آنها را برچیند پیش از

دیگر آدمیان بپانصد سال و [illegible] ارشاد گفته که چون آدم را حکم شود بفرستادن آدمیان

بدوزخ هفت قسم از دوزخ [illegible] و قسم را گردنی از دوزخ برآید و برچیند چنانچه کبوتر دانه

می چیند اول آن کسان باشند که کافر باشند بخدا از راه تکبر و انکار دوم آن قسم باشند که کافر باشند

بخدا از راه جهل و غفلت پس گفته شود که هر کس که با خدا دیگری را پرستش کرده است با معبود خود شود و آفتاب پرستان
پیروی آفتاب و آتش پرستان پیروی آتش و بت پرستان پیروی بتان کنند و آنها با معبودان
خود داخل دوزخ گردند و گویند لَوْ كَانَ هٰؤُلَآءِ اٰلِهَةً مَّا وَرَدُوْهَا یعنی اگر اینها معبود بحق بودی
داخل دوزخ نشدی پس جماعه چهارم آن باشند که خدا را یکی میدانند و انبیا را تکذیب میکنند
در صفات الٰهی براه جهل رفته‌اند چنانچه کفار یونان پس قسم خامس و سادس یهود و نصاری باشند
در محشر تشنه لب باشند گفته شود که چه حال دارید گویند تشنه‌ایم ما را آب دهید گفته شود و بر جهنم
و اشاره کرده شود بر دوزخ و دوزخ بصورت سراب آنها را بنظر آید دران افتند و بر روایتی آمده
که چون عابدان پیروی معبودان کنند یک فرشته بصورت عیسی برای نصاری و یک فرشته بصورت
عزیر برای یهود ظاهر شود و آنها پیروی او کنند و آنها را به دوزخ رسانند فقیر گوید ظاهر از یهود و
نصاری کسیکه پرستش عیسی و عزیر کرده در فرقهٔ رابعه داخل دوزخ شوند و کسی که عیسی و عزیر را
رسول دانستند و پرستش آنها نکردند و بسبب انکار نبوت محمد صلی الله علیه وسلم کافر شدند آنها
در فرقهٔ خامسه و سادسه داخل دوزخ شوند چون باقی نمانند مگر مومنان و درمیان شان منافقان باشند
حق تعالی ظهور کند و بفرماید مردم پیروی معبودان خود کردند شما هم پیروی معبود خود کنید آنها گویند
والله که ماسوای خدا دیگر کسی را عبادت نکرده‌ایم حق تعالی بگوید که من پروردگار شما ام بگویند
که منتظریم ما که حق تعالی را بعلامتی که میشناسیم ببینیم آن زمان حق تعالی تجلی کند بنهجی که ازان تعبیر فرموده
يَوْمَ يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ وَّيُدْعَوْنَ اِلَى السُّجُوْدِ و حکم کرده شود بسجود مومنان مخلص بسجود در روند
و منافقان را پشتها مثل شاخهای گاو سخت شوند و بر پشت افتند و سجود نتوانند کرد در دوزخ
انداخته شوند پس مسلمانان سوال کرده شوند و حساب کرده شود و اعمال شان را در میزان عدل سنجیده شود
اول سوال کرده شود از خونریزیها مقتول گوید یارب ازین بپرس که مرا چرا کشته حق تعالی بپرسد
حال آنکه او دانا ترست غازی فی سبیل الله گوید که قتل کردم این را تا که عزت مر ترا باشد حق تعالی فرماید
راست گفتی و روی او را حق تعالی مثل آفتاب کند و فرشتگان مشایعت او کنند و به بهشت رسانند

همراهی کردن ۱۲

۹ [illegible] ۱۲

دیگر قاتل گوید کشتم او را تا که عزت مرا باشد حق تعالی فرماید هلاک شدی تو فرستاده شود به دوزخ پستر در
دیگر مظالم حکم بعوض کرده شود تا آنکه کسی که در شیر آب انداخته فروخته است تکلیف داده شود که شیر را از
آب جدا کن و سوال کرده شوند مردم از صحت بدن و سمع و بصر و دیگر نعمتها که کجا صرف کردید و سوال کرده شوند
از علم که بران عمل کردند یا نه و رسول فرمود صلی الله علیه وسلم علم را پوشیده ندارید خیانت در علم سخت تر است
از خیانت در مال حق تعالی ازان سوال خواهد کرد و فرموده که مرد از جاه و مرتبه سوال کرده خواهد شد چنانچه از مال سوال
کرده خواهد شد و از ازواج و از اموال و ممالیک و چون سوال کرده خواهد شد از اعمال اول از نماز سوال کرده خواهد شد
و نماز را وزن کرده خواهد شد نماز را عند الله وزن است اگر دران نقصان خواهد بود فرائض را بنوافل جبر نقصان
کرده خواهد شد پستر در زکات پستر دیگر اعمال در حدیث آمده اول در نماز نظر کرده خواهد شد اگر نماز بدرجه قبول آمد
در دیگر اعمال نظر کرده شود هر که امامت کند قومی را باید که از خدا بترسد و بداند که او ضامن است اگر بخوبی امامت کرد
او را ثواب باشد مثل ثواب مقتدیان و هرچه نقصان کند بر گردن وی باشد و از سه چیز سوال نکرده خواهد شد
از پارچه که بدان ستر عورت کند و از پارچه نان که گرسنگی دفع کند و خانه بقدریکه از گرمی و سردی پناه کند
و سوال کرده خواهد شد از آنکه با که دوستی کردی و با که نکردی و با که دشمنی کردی و با که نکردی حق تعالی
خواهد فرمود هر که با دوستان من دوستی نکند و با دشمنان من دشمنی نکند او را رحمت من نرسد از بادشاهان
و قاضیان و حاکمان و سرداران سوال کرده خواهد شد از عدل و حسن سلوک با رعیت و از زنان که در مال
و اولاد شوهر چه کرده و از بنده که در مال سید چه کرده و چون بنده از گناه توبه کند حق تعالی
فرشتگان را ازان گناه فراموشی دهد و همچنین جوارح او را و زمین را و غیره شهادت دهندگان را
فراموش سازد و اگر مسلمانی را در دنیا مصیبتی رسد اگر خاری در پای او خلد او را موجب اجر داند و صبر
کند آن مصیبت عوض گناهان شود و از جزای گناه در آخرت محفوظ ماند و بعد حساب و وزن اعمال
اگر از حقوق الله چیزی بر ذمه او باقی ماند حق تعالی اگر خواهد عذاب کند و اگر خواهد بخشد و ستر عیب کند
احمد از ابی هریره روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که حق تعالی بنده مسلمان را روز قیامت
از خود نزدیک کند و بگوید نامه اعمال خود بخوان چون بر حسنه آید آن مرد خوش شود حق تعالی فرماید

ممالیک جمع
مملوک یعنی غلام

قبول کردم او بسجده رود و چون بر خواندن گناه رسد غمگین شود و بترسد حق تعالی بفرماید که ترا بخشیدم باز بسجده رود و مردم از وی هیچ نه بینند مگر سجود و با هم مردم گویند چه خوش است این مرد هیچ گناه نکرده است و نمیدانند که درمیان او و حق سبحانه چه گذشته و این را حساب یسیر گویند و از عائشه رض روایت کرده که آنحضرت در نماز گفت اَللّٰهُمَّ حَاسِبْنِیْ حِسَابًا یَّسِیْرًا[1] چون از نماز فارغ شد گفت یا رسول الله حساب یسیر چیست فرمود آنست که حق تعالی در نامهٔ اعمال به بیند و او را ببخشد مَنْ نُوْقِشَ فِی الْحِسَابِ یَا عَائِشَةُ هَلَکَ[2] و اگر زیاده فضل فرماید عوض گناه ثواب نیکی دهد حق تعالی میفرماید یُبَدِّلُ اللّٰهُ سَیِّاٰتِهِمْ حَسَنٰتٍ[3] و مسلم از ابی ذر روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که مردی را روز قیامت آورده شود و صغائر گناه بروی عرض کرده شود او بدان اقرار کند و بترسد و از کبائر ترسان باشد پس حکم شود که این را بجای هر گناه ثواب نیکی دهند آنگاه آمرزد و بطمع ثواب گوید که مرا دیگر گناهان هم هستند که نشمرده شده اند سید الرسل صلی الله علیه وسلم ازین سخن خندید که دندان مبارک ظاهر شد و ابن ابی حاتم از سلمان رضی الله عنه قول او روایت کرده که مردی را روز قیامت نامهٔ اعمال او داده شود او بالای صحیفه سیآت خواند و ترسان باشد و پایین صحیفه حسنات خواند باز چون بالای صحیفه نظر کند بجای سیآت حسنات نوشته بیند و از ابی هریره روایت کرده که میگفت بعضی مردم روز قیامت دوست دارند که سیآت بسیار میکردیم و آنها آن کسان اند که یُبَدِّلُ اللّٰهُ سَیِّاٰتِهِمْ حَسَنٰتٍ در شان آنهاست درین مقام دو توجیه میتوان کرد یکی آنکه بندگان خاص بمجرد صدور معصیت آنقدر ندامت میکشند و در جناب الهی تضرع و التجا میکنند که آن گناه کار حسنات میکند و فتح باب رحمت مینماید دوم آنکه کسانیکه غرق دریای عشق و محبت الهی هستند در غلبهٔ حال گاهی از انها اعمال صادر میشود که بمیزان شرع سنجیده نمیشود مثل سماع[4] و وجد[5] و رهبانیهٔ[6] مبتدعه و ترک جمعه و جماعات و درار العینات و کلمات شطحیه[7] حق تعالی اینچنین اعمال را بنظر عشق و محبت شان ثواب حسنات دهد مولوی قدس میفرماید

مثنوی

هر چه گیرد علتی علت شود × کفر گیرد کاملی ملت شود ×
کار پاکان را قیاس از خود مگیر × گرچه ماند در نوشتن شیر و شیر ×
او بدل گشت و بدل شد کار او × لطف گشت و نور شد هر نار او ×

[1] ای خدا حساب کن از من حساب آسان ۱۲

[2] هر که خصومت کرده شد در حساب ای عائشه هلاک شد ۱۲

[3] بدل کند حق تعالی گناهان ایشان را به نیکیها ۱۲

[4] سماع سرود شنیدن و معنی سرود و رقص ۱۲

[5] وجد رقص کردن بحالت شوق ۱۲

[6] رهبانیه مبتدعه ای درویشی و ترک دنیا که از شرع بدان حکم نیامده ۱۲

[7] کلمات شطحیه کلماتی که بحالت مستی و ذوق صادر شود و مخالف ظاهر شرع باشد ۱۲

وانچه در حدیث ابی ذر آمده که صغار ذنوب بروی عرض کرده شود و کبار پوشیده داشته شود معنیش آن باشد که عوض صغار ذنوب حسنات داده شود و اگر احیاناً بزور تقدیر از چنین کس کبیره صادر شود آنرا پوشیده دارد و بخشد و آنچه از حقوق عباد اگر بر ذمهٔ کسی باشد هرگز بخشیده نشود بلکه حسنات مدیون بدائن و ظالم بمظلوم داده شود و اگر حسنات او تمام شود و دیون و حقوق وم بروی باقی باشند سیآت دائنان و مظلومان بر مدیون و ظالم نهاده او را بدوزخ فرستاده شود رسول فرمود صلی الله علیه وسلم نباشد که بمیری و دین کسی بر تو باشد در آخرت درم و دینار نباشد در عوض دیون حسنات داده شود و یا سیآت وی نهاده شود و فرموده که اگر در راه خدا کشته شود و باز زنده شود و باز کشته شود داخل بهشت نشود تا که ادای دین نکند و فرموده که نامهٔ اعمال گناهان سه باشد یکی بابت شرک هرگز بخشیده نشود دوم بابت حقوق الله حق تعالی در بخشیدن حق خود باک ندارد سوم ظلم عباد دران قصاص شود بی شبهه و فرموده که مفلس آنست که نماز و روزه وغیره حسنات دارد یکی را دشنام داده است و دیگری را مال گرفته و دیگری را خون ریخته و دیگری را زده است پس هر یک را حسنات او داده شود و چون از حسنات هیچ نماند گناهان مظلومان بروی نهاده او را بدوزخ انداخته شود ولیکن اگر حق تعالی فضل فرماید خود از طرف مدیونان عوض داده مدیونان را از دائنان رهائی دهاند رسول فرمود صلی الله علیه وسلم هر که مدیون شد و نیت ادای دارد و او را میسر نشد حق تعالی از طرف او ادا کند و اگر در نیت او ادا نباشد قصاص بحسنات و سیآت کند و معهذا اگر دین برای اسراف بر خود کرده باشد البته ماخوذ شود و اگر بنابر ضرورت یا برای تقویت بر جهاد یا برای تعفف در نکاح یا برای تکفین مردهٔ فقیر مسلمان مدیون شده باشد و نیت ادا دارد حق تعالی از وی ادا کند و اگر زیاده تفضل کند مظلومان را بانعامات خوش کند تا که او را ببخشند و او را با خود ببهشت برند

فصل بعضی مسلمانان را حق تعالی بغیر حساب ببهشت داخل کند و ایشان را از حساب معاف دارد در صحیحین از ابن عباس مرویست که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم عرض کرده شد

برمن امتهای انبیای سابق با بعضی از پیغمبران یکمرد مومن ست و با بعضی دو مرد و با بعضی کسی نیست
و با بعضی جماعتی ست و دیدم سواد کثیر که افق را پر کرده و هر سو همچنین سواد کثیر دیدم گفته شد که این
امت تست با اینها هفتاد هزار کس باشند که بغیر حساب داخل بهشت شوند رسول فرمود صلی الله
علیه وسلم آنها کسانند که افسون نکنند و داغ نکنند و تطیر نکنند و بر خدا توکل کنند عکاشه
شگون گرفتن بد
رضی الله عنه گفت من هم از انجماعه باشم فرمود باشی مردی دیگر گفت من هم باشم فرمود
عکاشه سبقت کرد و همچنین در صحیحین از ابی هریره و نزد مسلم از عمران بن حصین آمده و در حدیث
ابی امامه آمده که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که خدا وعده کرده است پروردگار من که هفتاد هزار کس
از امت تو بغیر حساب داخل بهشت شوند و با هر هزار کس هفتاد هزار کس باشند و سه حثیات از
حثیات پروردگار و حثی چیزی را گویند که در دو کف شخص آید و در حدیث ابی بکر صدیق نزد احمد
بحای مهملة و ثای مثلثة ۱۲
وغیره آمده که هفتاد هزار کس بغیر حساب داخل بهشت شوند روی شان باشند ماه شب چهاردهم باشد پس
زیاده طلب کردم از خدا پس زیاده کرد حق تعالی با هر کس از ان هفتاد هزار کس هفتاد هزار کس و در حدیثی
آمده کسانیکه حمد خدا کنند در راحت و رنج داخل بهشت شوند بغیر حساب و در حدیثی آمده که شهدا فی سبیل الله
داخل بهشت شوند بغیر حساب و در حدیثی آمده که شب خیزان و در حدیثی اهل فضل و اهل صبر و متحابون فی الله
داخل شوند بغیر حساب اهل فضل کسانند که کسی بر انها ظلم کند صبر کنند و کسی با ایشان
بدی کند ایشان ببخشایند و کسی با ایشان جهل کند ایشان تحمل نمایند و اهل صبر آنها هستند
که بر طاعت خدا و از معصیت صبر کنند و متحابون فی الله آنها که برای خدا با همه دوستی کنند
و بی علاقه دنیا لله ملاقات نمایند و در احادیث آمده هر که در رنج و مصیبتها صبر کند و هر که
در حج و عمره بمیرد و اهل عرفان و احسان و طالبان علم و زنی که فرمان بردار زوج باشد و ولدی نیکی کننده
با والدین و کسی که از فقر جامه مکرر ندارد و طعام دو قسم نتواند خورد و شراب دو قسم ندارد و کسیکه
یعنی خوردنی نوشیدنی ۱۲
بدنیا رغبت ندارد و کسیکه از خوف خدا بگرید بغیر حساب داخل بهشت شوند و اصبهانی از انس رض
روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم چون [illegible] قائم شوند اهل نماز و اهل روزه

و اہل حج را ثواب داده شود میزانها و اہل بلا آورده شوند نه میزان برای شان نهاده شود و نه دفتر اعمال برای آنها کشاده شود و ریخته شود برانها ثواب بغیر حساب یعنی صاحب رنج و درد در دنیا تا آنکه اہل عافیت تمنا کنند آنکه بدنهای شان در دنیا بمقراضها بریده میشد حق تعالی میفرماید إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ یعنی جز این نیست که داده خواهند شد صابران ثوابهای شان بغیر حساب پستر چون کافران را حکم بدوزخ و مومنان را حکم برفتن بسوی بہشت شود مومنان را حق تعالی موافق اعمال شان نور دهد بعضی کسان را نور باشد مانند کوه و بعضی را مثل درخت خرما و کمترین نور کسی را باشد که نور او در سر انگشت پای او باشد گاهی ظاهر شود و گاهی پوشیده و کافران و منافقان را نور نباشد قال الله تعالی وَمَن لَّمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِن نُّورٍ و در بعضی احادیث آمده که منافقان را هم نور باشد لیکن آن نور بر صراط منطفی شود و منافقان مومنان را گویند که نظر کنید بما ما هم از نور شما روشنی گیریم مومنان گویند ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا یعنی باز گردید پس پشت خود جاییکه حق تعالی نور در مومنان تقسیم کرده آنجا نور طلب کنید یا آنکه در دنیا روید آنجا ایمان و اعمال صالحه کسب کنید که این نور ازان ست آنگاه مومنان را دیواری مثل دیوار قلعه پیش آید دران دیوار در باشد مومنان ازان در گذرند و منافقان بیرون در باشند اندرون آن دیوار رحمت باشد نسیم بہشت و بیرون آن عذاب دوزخ منافقان مومنان را آواز دهند آیا ما با شما نبودیم بر ملت اسلام مومنان گویند آری شما با ما بودید لیکن شما نفس خود را در فتنه یعنی کفر و معصیت انداختید که عقائد فاسده و اعمال خبیثه اختیار نمودید ظاهرا در آیات و احادیث که دلالت دارند بر نبودن نور منافقان را مراد از منافقان آن کسانند که در باطن کفر دارند و بنا بر تقیه و استهزا کلمهٔ شهادت میگویند آنها را نور نباشد که اصل نور ایمان ست و ایمان بقلب تعلق دارد و در احادیث که وارد شده که منافقان را نور منطفی شود مراد از اصحاب توحید از فرقهای مبتدعه باشد روافض و خوارج و معتزله و مانند شان که نور ایمان آنها از دود بدعت منطفی شود فائده رسول فرمود صلی الله علیه وسلم نماز نور باشد

برصراط و کسی که در تاریکیها بمساجد رود نور تام باشد روز قیامت و فرموده هر که سوره کهف
خواند روز جمعه او را از زیر قدم تا آسمان نور باشد روز قیامت و فرموده مردی صالح اگر در دنیا
کور شود او را نور باشد روز قیامت و فرموده هر که تیر انداخت در راه خدا او را نور باشد
روز قیامت و فرموده ذکر کننده در بازار را از هر مو نور باشد روز قیامت و فرموده هر که
سختی از مسلمانان دور کند او را مشعله باشد از نور بر صراط که از آن روشنی پذیرد عالمی که احاطه
نکنند آنها را اگر رب العزت و فرمود که پرهیز کنید از ظلم بدرستی که ظلم تاریکیها باشد روز قیامت

فصل چون محشر را دوزخ محیط باشد برای رفتن بسوی جنت بر پشت دوزخ پلی باشد
که آنرا صراط گویند باریکتر از مو و تیزتر از شمشیر و بران پل کلّوبها و خارها باشد کافران و منافقان
در دوزخ افتند و بر صراط عبور نتوانند کرد و مومنان از ان بگذرند بقدر اعمال خود بعضی مثل برق
و بعضی مثل باد تند و بعضی مثل اسپ تیزرو و بعضی مثل شتر تیزرو و بعضی مثل پیاده جلد رو
و بعضی مثل پیاده سست قدم و بعضی بخرابی و دقت مجروح شده رنج کشیده نجات یابند و بعضی بسبب
گناهان خود در دوزخ افتند در حدیث آمده که هر که واسطه شود بسوی پادشاه برای حاجت برادر مسلمان
حق تعالی او را در گذشتن بر صراط مدد فرماید و هر که بخوبی صدقه دهد بخوبی از صراط بگذرد و در حدیث آمده
که هر که مردم را سنت پیغمبر صلی الله علیه وسلم آموزد چشم زدن بر صراط دیر نکند و از وهب بن منبه مرویست که
داود علیه السلام از حق تعالی پرسید که جلد روتر بر صراط که باشد فرمود کسانیکه از حکم من راضی باشند
و زبان شان بذکرتر باشد و ابن مبارک و ابن ابی الدنیا از سعید بن ابی هانی روایت کرد که صراط
روز قیامت بر بعضی مردم باریکتر از مو باشد و بر بعضی مثل وادی پهن تر حق تعالی میفرماید
وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَنَذَرُ
الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا یعنی نباشد از شما کسی مگر وارد شود دوزخ را هست این امر بر پروردگار تو
لازم حکم کرده شده پستر نجات دهیم متقیان را و بگذاریم ظالمان را دران بر زانو افتاده مراد از ورود جهنم
همین گذشتن است بر صراط که بر پشت دوزخ باشد بعضی مردم چون داخل بهشت شوند بگویند ای پروردگار

کلّوب ابزار آهنگران که بدان آهن گرم گیرند

وعده کرده بودی بورود دوزخ و دوزخ را ندیدیم حکم شود که چون شما از دوزخ گذشتید دوزخ سرد شده
و طبرانی از یعلی بن امیه روایت کرده که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که دوزخ روز قیامت مسلمان را
گوید که زود بگذر ای مومن که نور تو آتش مرا سرد کرده در حدیث آمده که هر کرا سه کس از اولاد او پیش از بلوغ مرده باشند
وارد دوزخ نشود مگر به گذر و در حدیثی آمده که هر که نگهبانی مسلمانان کند از کفار برای خدا در دوزخ وارد نشود
مگر تحلة قسم در صحیح بخاری از ابی سعید خدری مروی است که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که چون مومنان
از آتش نجات یابند حبس کرده شوند بر پلی که میان دوزخ و بهشت باشد پس قصاص گرفته شود بعضی را
از بعضی در مظالم چون از آن پاک شوند داخل بهشت شوند پس قسم کسی که جان محمد صلی الله علیه وسلم در دست اوست که هر
از شما خانه خود را در بهشت راه یابد چنانچه خانه خود در دنیا می‌شناسد علما در تفسیر این حدیث اختلاف
کرده اند بعضی میگویند که این پل دیگر باشد بعد صراط و بعضی میگویند که بر کنار همان صراط برای
قصاص باهم استاده کرده شوند و ظاهر آنست که این قصاص سوای آن قصاص باشد که پیش از
صراط شده آن قصاص بدخول دوزخ باشد و این قصاص بحبس باشد از دخول جنت تا وقتیکه مهذب شوند

فصل جماعتی از مسلمانان چون از آتش دوزخ بسبب اعمال صالحه نجات یابند و بسبب بعضی معاصی
دخول جنت نتوانند کرد در قلعه که میان بهشت و دوزخ باشد محبوس باشند آن قلعه را اعراف گویند
رسول فرمود صلی الله علیه وسلم اعراف سوری است میان بهشت و دوزخ و اصحاب اعراف گناهگاران اند
که محبوس باشند بحکم خدا بر سر دیوار اعراف باشند دوزخیان را بسیاه روئی و بهشتیان را بسفید روئی
بشناسند چون بسوی اهل بهشت بینند دخول بهشت را طمع کنند و چون بسوی دوزخیان بینند از
حال شان پناه جویند بخدا آخر کار حق تعالی آنها را داخل بهشت سازد قوله تعالی أَهٰؤُلَاءِ الَّذِينَ
أَقْسَمْتُمْ لَا يَنَالُهُمُ اللّٰهُ بِرَحْمَةٍ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ
و در حدیثی آمده که اصحاب اعراف مردان باشند که در راه خدا شهید شده باشند لیکن نافرمان پدران
باشند بسبب شهادت داخل دوزخ نشوند و بسبب معصیت پدران داخل بهشت نشوند تا وقتیکه گوشت
و چربی شان خشک شود آنزمان حق تعالی برحمت خود آنها را داخل بهشت کند ازین حدیث مستفاد شد

که از شهادت هر چند گناهان آمرزیده شوند که السیف محی الذنوب آمده اما حقوق العباد آمرزیده نشود.
و ابن مسعود رضی الله عنه گفته که هر کس را که حسنات او از سیآت بیک حسنه بیفزاید داخل بهشت شود
و هر که سیآت او از حسنات بیک سیئه فزاید داخل دوزخ شود و هر که حسنات و سیآت او برابر باشد
آنها بر صراط محبوس باشند آنها اهل اعراف اند نور مومنان مومنان را به بهشت رساند و نور منافقان
منطفی شود و اصحاب اعراف را نور منطفی نشود لهذا طمع دخول جنت دارند و آخر کار داخل جنت شوند
غرضکه اعراف را منزله بین المنزلتین نباید دانست چنانچه بعضی اهل اهوا گفته اند چرا که در اعراف خلود نیست

فصل شفاعت اکرم الرسل صلی الله علیه وسلم و دیگر انبیا و صدیقان و شهدا و اولیا و علما و صلحا و
طفلان که صغیر مرده باشند و شفاعت اعمال صالحه از تلاوت قرآن و نماز و روزه و صدقه و مانند آن
حق ست هر کرا حق تعالی اذن کند و هر وقت که اذن شود شفاعت کنند و شفاعت شان قبول شود
بعضی کسان را در قبر شفاعت در رسد رسول صلی الله علیه وسلم سوره ملک را گفته هِيَ الْمَانِعَةُ هِيَ
الْمُنْجِيَةُ مِنْ عَذَابِ اللهِ و بعضی را در عرصات رسد مستحق دوزخ داخل دوزخ نشود
و بعضی بعد دخول دوزخ بشفاعت از انجا رهائی یابند و بعضی را در بهشت بشفاعت درجات عالیه
میسر شوند رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که حق تعالی مرا اختیار داده در میان آنکه نصف امت من
و بروایتی دو ثلث امت من بغیر حساب و عذاب داخل بهشت شوند و در میان شفاعت برای امت خود
شفاعت اختیار کردم و آن برای هر مسلمان باشد درین باب احادیث بسیار اند و فرمود صلی الله
علیه وسلم که شفاعت من باشد برای کسانیکه گناه کبیره کرده باشند و فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم
خوب مردم من برای بدان از امت خود مردم گفتند چگونه یا رسول الله فرمود بدان بشفاعت من در
یعنی خوب خوش در بهشتم ۱۲
بهشت روند و نیکان باعمال خود روند و فرمود که شفاعت کرده باشم تا آنکه گویم که ای
پروردگار شفاعت من قبول کن در حق هر کس که لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ گفته حق تعالی فرماید قسم بعزت من
و جلال من که هیچکس را در دوزخ نگذارم که لا اله الا الله گفته باشد و فرمود علیه السلام که هر که اذان
شنیده گوید اَللّٰهُمَّ رَبَّ هٰذِهِ الدَّعْوَةِ التَّامَّةِ تا آخر او را شفاعت من باشد

۵ این سوره بازدارنده
این سوره رهاننده
ست از عذاب الهی تعالی

۶ اللهم رب هذه الدعوة التامة
والصلوة القائمة آت محمدا
الوسيلة والفضيلة وابعثه مقاما
محمودا الذی وعدته انک لا تخلف المیعاد

ترجمه ای خدای صاحب این
دعوت کامل و نماز قایم
بده محمد صلی الله علیه وسلم وسیله و
فضیلت و برانگیز او را مقام
محمود که وعده کرده
ای او را بیشک تو خلاف وعده
نمی‌کنی ۱۲

و فرموده هرکه ثابت باشد بر سختی مدینه و آنجا باشد برای او شاهد و شفیع باشم
و فرموده هرکه در مدینه یا مکه بمیرد او را شفاعت کنم و فرموده هرکه برای زیارت
من آید واجب باشد بر من شفاعت او و در روایتی آمده هرکه زیارت قبر من کند واجب باشد
بر من شفاعت او و فرموده بسیار درود بفرستید بر من بروز جمعه و شب جمعه هرکه چنین کند او را
شاهد باشم و شفیع و فرموده هرکه ده بار صبح و ده بار شام بر من درود فرستد او را شفاعت من رسد
و فرموده بهترین کسان برای شفاعت من روز قیامت کسی باشد که درود بر من بسیار فرستاده باشد
و فرموده که هرکه بعد نماز این دعا خواند اَللّٰهُمَّ اَعْطِ مُحَمَّدَنِ الْوَسِيْلَةَ وَاجْعَلْهُ فِي الْمُصْطَفَيْنَ
مَحَبَّتَهٗ وَفِي الْعَالِيْنَ دَرَجَتَهٗ وَفِي الْمُقَرَّبِيْنَ دَارَهٗ واجب شود او را شفاعت محمد صلی الله
علیه وسلم و فرمود که دو صنف باشند که آنها را شفاعت من نرسد روز قیامت یکی مرجیه دوم قدریه
مرجیه آن باشند که یقین کنند بمغفرت و بگویند که مسلمان را هیچ گناه ضرر نکند چنانچه کافر را هیچ حسنه
فائده نکند و قدریه منکر شفاعت اند و میگویند که صاحب کبیره بدون توبه مخلد فی النار باشد و فرموده
که دو مرد را شفاعت من نباشد یکی بادشاه ظالم دوم آنکه در دین از شرع تجاوز کند و برآید یعنی اهل اهوا
مثل روافض و خوارج و مانند آنها و فرمود که جدال بگذارید جدال کننده را شفاعت من نرسد یعنی آنچه
خدا و رسول بفرماید آنرا قبول باید کرد و در آن جدال نباید کرد و فرمود اول شفاعت کننده و شفاعت
قبول کرده شده من باشم و فرمود اول شفاعت انبیا باشد پستر شفاعت صدیقان پستر شفاعت شهدا
و بروایتی اول شفاعت انبیا پستر شفاعت علما پستر شفاعت شهدا پستر شفاعت مؤذنان و فرمود عالم
و عابد حاضر شوند عابد را گفته شود که داخل بهشت شو و عالم را گفته شود که بایست تا شفاعت کنی
از ابن عمر مرویست که گفته شود عالم را که شفاعت کن در شاگردان خود اگرچه عدد ستارگان باشند
فرمود رسول صلی الله علیه وسلم که شهید شفاعت کند در هفتاد کس از اهل بیت خود و فرمود که حاجی که در
چهار صد کس از اهل بیت خود شفاعت کند و فرمود که مردی شفاعت کند برای یکمرد و مردی برای دو کس
سه کس روز قیامت و مردی باشد که بشفاعت او زیاده از بنی تمیم و مثل ربیعه و مضر داخل بهشت شوند

ای خدا بده محمد را
وسیله و گردان او را در
برگزیدگان دوستی او
و در بلندان پایه او و در
نزدیکان خانه او ۱۲
ف بهشت باشد
[illegible] ۱۲

یعنی [illegible] رود
والکار [illegible] تحقیق ۱۲

و فرموده که مردی از اهل جنت مشرف شود بر دوزخیان مردی از اهل دوزخ گوید ای فلان تو مرا می شناسی گوید نی گوید که من آنکسی هستم که تو از من آب خواستی من ترا آب خورانیدم مرا شفاعت کن آن مرد از خدا سوال کند او از آتش بر آید مردی مردی را گوید من ترا آب وضو داده بودم مردی دوزخی مردی بهشتی را گوید یاد داری که تو مرا برای کاری فرستادی من رفتم و کار ترا کردم او شفاعت کند و رسول فرموده صلی الله علیه وسلم در تفسیر قوله تعالی فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَيَزِيدُهُم مِّن فَضْلِهِ مراد از یزیدهم من فضله شفاعت ست برای دوزخیان کسانیکه با ایشان در دنیا نیکی کرده بودند و فرموده که حافظ قرآن را که حلال را حلال داند و حرام را حرام داخل جنت کرده شود و شفاعت کند ده کس که آتش برای شان واجب باشد و فرمود طفلان مسلمین زیر عرش شفاعت کنند و شفاعت شان قبول شود و در حدیثی آمده هر گرسنه بچه مرده باشد بر دروازه بهشت استاده باشند آنها را گفته شود که در بهشت بروید گویند چگونه رویم پدر و مادر ما داخل نشده اند در مرتبه دوم یا سوم گفته شود در بروید شما و پدر و مادر شما و فرمود که روزه و قرآن شفاعت کنند روزه گوید که من این را از خوردن و شهوت باز داشته بودم شفاعت من قبول کن و قرآن گوید که من این را از خفتن باز داشته بودم و حجر اسود را روز قیامت لب و زبان باشد شهادت دهد برای کسی که بوسه داده برو و رسول فرمود صلی الله علیه وسلم لعنت گوینده گان روز قیامت شاهد و شفیع نباشند اگر کسی گوید که چون از شفاعت رسول صلی الله علیه وسلم امت او از آتش بیرون شوند بشفاعت دیگران چه حاجت باشد گفته شود که شفاعت دیگران از علما و صلحا و غیرهم داخل شفاعت آنحضرت ست که بدولت متابعت آنحضرت مرتبه شفاعت یافتند حق تعالی برای اظهار شرف آنها آنها را مرتبه شفاعت داده در صحیحین در حدیثی طویل از ابی سعید خدری مروی ست که رسول صلی الله علیه وسلم فرموده چون مومنان از آتش رهائی یابند و از صراط بگذرند در جناب الهی برای برادران خود که در دوزخ باشند آواز شفاعت بمبالغه برارند و گویند ای پروردگار اینها با ما نماز و روزه و حج میکردند حکم شود که برارید هر کرا بشناسید حق تعالی آتش بر صورتهای مسلمانان حرام کند صورتهای شان بحال باشد پس برارند خلقی کثیر را و گویند یا رب حالا از اینها کسی نمانده که امر کردی تو حکم شود

پس تمام دهد ایشان را
مزدهای ایشان و افزون
دهد ایشان را از فضل خود

کہ باز ببرید و ہر کہ در دل او بقدر دینار ایمان باشد وی را برارید پس بیرون آرند خلقی کثیر را باز حکم شود کہ بروید و برارید کسی را کہ در دل او مثل مورچہ ایمان باشد پس برارند خلقی کثیر را از و بگویند یا رب حالا نگذاشتیم در دوزخ ہیچ چیز پس حق تعالی بفرماید کہ فرشتگان شفاعت کردند انبیا شفاعت کردند مسلمانان شفاعت کردند و باقی نماند مگر ارحم الراحمین **فَيَقْبِضُ قَبْضَةً مِّنَ النَّارِ** یعنی حق تعالی یک قبضہ از دوزخ بگیرد پس برارد قومی را کہ گاہی ہیچ عمل نیک نکردہ است مثل انگشت شدہ است پس بیندازد حق تعالی آنہا را در نہری بر روی بہشت آن را نہر حیات گویند پس برایند چنانچہ دانہ می روید در سیل پس برایند مثل دانہ مروارید در گردنہای شان مہرہا باشند اہل بہشت گویند کہ اینہا آزاد کردہ خدا اند و باقی ماند یکی در میان دوزخ و بہشت روی او بسوی دوزخ باشد سوال کند از خدا کہ روی من از دوزخ بگردان حق تعالی فرماید کہ چیزی دیگر سوال نکنی او عہد کند کہ نکنم حق تعالی روی او بسوی بہشت کند و تازگی جنت ببیند مدتی خاموش ماند باز گوید کہ مرا نزدیک دروازہ بہشت کن حق تعالی فرماید کہ تو عہد کردہ بودی کہ دیگر سوال نکنم باز از و عہد گیرد کہ دیگر سوال نکنم و بر در دروازہ بہشت برد مدتی آنجا خاموش باشد باز سوال کند دخول بہشت را حق تعالی فرماید کہ تو عہد کردہ بودی کہ سوال نکنم او گوید الٰہی مرا بدبخت ترین خلق مکن و دعا کردہ باشد تا کہ حق تعالی بخندد و او را بہ بہشت برد و بفرماید کہ آرزو کن او آرزو کند تا کہ منقطع شود آرزوی او حکم شود کہ آنچہ آرزو کردی ترا باشد و دہ چند زیادہ از ان

فصل رسول فرمود صلی اللہ علیہ وسلم کہ رحمت را حق تعالی صد حصہ کردہ یکحصہ در جمیع خلائق تقسیم کردہ و نود و نہ حصہ نزد خود داشتہ کہ روز قیامت دوستان خود را خواہد کرد فرمود کہ قسم بخدا آن قدر رحمت خواہد کرد کہ ابلیس امیدوار شود و بیشتر رحمت او تعالی قاریان قرآن و علما را باشد حق تعالی میفرماید **ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُّقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ بِإِذْنِ اللَّهِ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ جَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا** الآیہ یعنی بعد انبیای سابق وارث کتاب کردیم کسانی را کہ برگزیدیم از بندگان خود پس بعضی از انہا ظالم باشند بر نفس خود بگناہان و بعضی از انہا میانہ رو باشند و بعضی از انہا سبقت کنندہ باشند بنیکیہا باذن خدا ہمین ست فضل بزرگ بہشتہای ہمیشگی را داخل شوند کہ نہرہا دران جاری باشند رسول فرمود صلی اللہ علیہ وسلم

دران جای کہ باشند
این لفظ را مصنف
در توصیف بہشت
افزوده اند واز
ترجمه نیست و
لفظ آیت مابعد
یحلون فیها
من اساور
من ذهب
ولؤلؤا و
لباسهم فیها
حریر ۱۲

سابقان داخل بهشت شوند بغیر حساب و میانه روان را حساب یسیر شود و ظالمان در طول محشر محبوس باشند پس برحمت خدا آنها را تلافی کند بگویند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْٓ اَذْهَبَ عَنَّا الْحَزَنَ ط اِنَّ رَبَّنَا لَغَفُوْرٌ شَكُوْرٌ و فرمود که حق تعالی علما را فرماید که من علم خود در شما ننهاده بودم مگر آنکه اراده مغفرت شما داشتم برای شما بر هرچه از شما آید و باک ندارم

فائده بهترین مسلمانان نزد خدا سه فریق اند شهدا که جان خودها را در راه خدا بذل کردند دوم علما که عقل و حواس خودها در راه خدا بذل کردند سوم اسخیا که مال خودها در راه خدا بذل کردند لیکن اخلاص شرط است که نیت خالصاً لله باشد و گرنه اول بدوزخ روند مسلم از ابی هریره روایت کرد که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم اول کسی که حکم کند بروی حق تعالی شهید باشد حق تعالی گوید که چندین نعمت بتو دادم تو چه عمل کردی گوید که در راه تو شهید شدم فرماید که دروغ گفتی قتال کردی برای آنکه مردم ترا جری و شجاع گویند پس گفته شد حکم شود که او را کشیده بدوزخ اندازند دوم عالم که حق تعالی نعمتها باو داده پرسد که چه عمل کردی گوید که برای تو علم آموختم و مردم را تعلیم کردم و قرآن خواندم و خوانانیدم حق تعالی فرماید که دروغ گفتی بلکه تعلیم و تعلم کردی تا که ترا مردم عالم و قاری گویند پس گفته شد حکم شود بدوزخ انداخته شود سوم مردی که او را حق تعالی مال داده و او هر صنف مال بمردم بخشیده چون نعمتها خدا باو داده ازو پرسد که چه عمل کردی گوید که در راه تو مال هر صنف خرج کردم حق تعالی فرماید که دروغ گفتی میدادی مردم را مگر تا که ترا جواد گویند و گفته شد حکم شود بدوزخ انداخته شود پس در هر عمل نیت خالصةً لله شرط قبول است رسول فرمود صلی الله علیه و سلم اِنَّمَا الْاَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ عمل معتبر نیست مگر به نیت

فصل اَلْاِيْمَانُ بَيْنَ الْخَوْفِ وَالرَّجَآءِ ابونعیم از علی رضی الله عنه روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که یکی را از انبیای بنی اسرائیل وحی شد که طاعت کنندگان مرا بگو که بر عمل خود تکیه نکنند اگر بنده را حساب کنم و خواهم که او را عذاب کنم البته او را عذاب کنم یعنی در حساب کسی نمی تواند برآمد و بگو گناهگاران را که از رحمت خدا نا امید نشوند که من گناهان کبیره را می بخشم و باک ندارم و طبرانی از واثله بن اسقع روایت کرد که آنحضرت فرمود صلی الله علیه و سلم که روز قیامت بنده باشد که هیچ گناه نکرده حق تعالی ازو گوید چه میخواهی اگر خواهی بحساب اعمال ترا جزا دهم و اگر خواهی بفضل خود او گوید الهی تو داناتری من گناهی نکرده ام آنگاه حکم شود

ف همه ستایش خدای را که بر داشت از ما اندوه را بیشک پروردگار ما هر آینه بخشنده و قدرشناس است ۱۲

ع ایمان درمیان بیم و امید است ۱۲

که نعمتی را از نعمتهای من مقابل عمل او کنید ادنی نعمت از نعمتهای خدا همه اعمال او را فرا گیرد آنگاه آن بنده گوید الهی بفضل و رحمت خود مرا ببخش و بزار از انس رضی الله عنه روایت کرده که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود دفاتر سه اند یکی دفتر حسنات دوم دفتر سیآت سوم دفتر نعمتهای خدا اگر خدا حکم کند ادنی نعمت همه نیکیها را در گیرد و گناهان باقی مانند و اگر فضل فرماید گناهان را و نعمتها را ببخشد و حسنات را مضاعف کند

باب سوم در صفت جهنم و عذاب کفار نعوذ بالله منها

طبرانی از عمر بن خطاب رضی الله عنه روایت کرده که جبرئیل نزد آنحضرت صلی الله علیه وسلم آمده متغیر اللون آنحضرت پرسید که چه حال ست گفت نیامده ام نزد تو مگر بعد آنکه حکم فرمود حق تعالی بکلید های جهنم یعنی جهنم را دیده آمده ام فرمود وصف کن برای من آتش را گفت حق تعالی امر کرد تا آتش هزار سال افروختند تا که سفید شد پستر هزار سال دیگر افروختند تا که سرخ شد پستر هزار سال دیگر افروختند تا که سیاه شد پس آن سیاه و تاریک ست روشن نیست شرر آن و کم نمیشود سوزش آن قسم بکسی که ترا فرستاده است بحق که اگر سوراخی شود از دوزخ بقدر سر سوزن اهل زمین همه بمیرند از گرمی آن و اگر فرشتگان عذاب که در جهنم اند ظاهر شود کسی از انها بسوی دنیا و اهل زمین او را ببینند همه بمیرند از زشتی روی او و بدبوی او و اگر یک حلقه از زنجیر دوزخیان که در قرآن مذکور شده نهاده شود بر کوههای دنیا هر آینه فرو رود تا زمین سفلی هرگاه حق تعالی دوزخ را پیدا کرده دلهای ملائکه از دهشت آن بپریدند چون آدم علیه السلام مخلوق شد دلهای شان قرار گرفت در صحیحین ست که آنحضرت فرمود که هرچند در دوزخ خلق انداخته شود دوزخ هل من مزید گوید تا که رب العزت دران قدم بنهد آنزمان بعضی ازان بسوی بعضی بپیچد و گوید بس بس دوزخ در زمین سفلی ست یعنی زیر زمین و بهشت بالای آسمان هفتم از وهب بن منبه مرویست که چون قیامت قائم شود فلق که پوشش سقر ست از سقر دور شود و ازان آتشی براید و دریا که بر جهنم مطبق ست و حاجز ست میان جهنم و هفت طبق زمین در چشم زدن افروخته کنند همانست بحر مسجور

فصل جهنم را هفت درکه است و هفت در ست یکی بالای دیگری و بر آنها هر در جماعتی ست قسمت کرده شده

اول شان جهنم ست دران عذاب کمترست بر گنهگاران این امت پست تر ازان لظی ازان پست سعیر ازان پست حطمه زیر آن سقر زیر آن جحیم پست تر هاویه منافقان در درک اسفل باشند از دوزخ مسلمانان را باید که همیشه از دوزخ بحق سبحانه پناه جویند از مجاهد مرویست که بنده را امر کرده شود که در دوزخ اندازند دوزخ باهم پیچد گفته شود که چه حال ست دوزخ گوید که این مرد از من بتو پناه میجست حکم شود که این را بگذارند بیهقی روایت کرده که رسول صلی الله علیه وسلم نمی خفت تا که تبارك و حم سجده نمی خواند و فرمود که حم ها هفت اند و درهای جهنم هم هفت اند حم سجده ازان روز قیامت بر دری از درهای جهنم بایستد و بگوید که الٰهی داخل نشود ازین در کسیکه بامن ایمان داشت و مرا می خواند

فصل موکلان جهنم نوزده فرشته اند مالک رئیس آنهاست هزار سال پیش از خلقت جهنم مخلوق شده اند و هر روز قوت شان زیاده میشود و هر یک ازان آنقدر هست که درمیان دو شانه او صد ساله راه است در دلهای شان رحمت مخلوق نشده و با هر یک ازان گرزست و مالک را انگشتان است بعدد همه دوزخیان کسی در دوزخ نیست که مالک او را از یک انگشت خود عذاب نمیکند و قرطبی گفته نوزده سردارند و موکلان جهنم بیشمارند و ویل وادیست در جهنم عمیق که کافر در وی تا چهل سال فرو میرود و پیش ازانکه در قعر او رسد و در روایتیست که در وی ریم دوزخیان جاریست و صعود کوهیست در جهنم در هفتاد سال جهنمی باعلای آن رسد و باز ازانجا فرو افتد همچنین تا ابد باشد و در روایتی آمده که صعود سنگیست که اگر بروی دست رسد گداز شود و چون دست بردارد باز درست میشود و همچنان فرمود صلی الله علیه وسلم که اگر سنگی بوزن ده درم از لب جهنم انداخته شود تا هفتاد سال بپایین او نرسد و درنهایت آن غی ست و اثام و آن هر دو نهر اند از ریم دوزخیان و موبق وادی عمیق ست روز قیامت فاصل باشد درمیان مسلمین و کفار از اهل دوزخ در صحیحین ست که دوزخ شکایت کرده بسوی پروردگار خود و گفت که از شدت حر بعضی اجزای من بعضی را خورده حکم شده او را بدو دم دمی بسردی که از سردی او در دنیا سرما میشود و دمی بگرمی که از گرمی او در دنیا گرما می شود

فصل کافران را پارچه از آتش باشد و نیز پیرهنها از مس گداخته شده شدید الحرارة وهب بن منبه میگوید اهل دوزخ را پوشاک باشد و برهنگی برای شان بهترست از پوشاک و حیات باشد و موت برای شان بهتر باشد

از حیات و برآمی دوزخیان فرش باشد و لحافها از آتش دوزخیان و زنجیر باشند که هفتاد گز طول آن زنجیر باشد
هر گز از این هفتاد باع هر باع مقدار ما بین مکه و کوفه اگر تمام آهن دنیا جمع کرده شود بیک حلقه زنجیر دوزخیان نرسد
آن زنجیر را از دبر آنها داخل کرده و از دهن برآورده بر دوش بپیچیده شود حمیم بالای سر کافر ریخته شود پس برسد بشکم
و فرو ریزد آنچه در شکم باشد در قدمش باز همچنان درست شود و باز حمیم ریخته شود و طعام دوزخیان زقوم
باشد اگر قطره از آن در دریاها افتد زندگانی اهل دنیا فاسد کند زقوم درختی باشد از شدت گرسنگی آدمی
ازوی بدندان گیرد آن درخت از آدمی همان قدر بگیرد و نیز طعام دوزخی ضریع باشد رسول فرمود صلی الله
علیه و سلم ضریع چیزیست در دوزخ مشابه خار تلخ تر از صبر و بدبوتر از جیفه و گرم تر از آتش وقتیکه بخورد
صاحب او نه در شکم فرو رود و نه از دهن برآید گلوگیر باشد نه فربه شود نه گرسنگی دور سازد و نیز طعام دوزخیان
غسلین باشد یعنی ریم دوزخیان و شراب شان حمیم باشد یعنی آب [illegible] گرمی و غساق یعنی آب سرد
سوزی در غایت سردی و در حدیث آمده که اگر یک دلو غساق در دنیا افتد تمام دنیا بدبو شود و از کعب
مرویست که غساق چشمه ایست در دوزخ که در آن زهرهای تمام جانوران زهردار باشد ایشان را
در آن غوطه داده شود گوشت و پوست از استخوان جدا شده در پای افتد و آنرا مثل پارچه بکشند ترمذی
از ابی الدرداء روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم گرسنگی بر کافر غالب کرده شود بحدی که
برابر همه عذابها باشد پس فریاد کنند و طعام خواهند طعام داده شود که در گلو بسته شود پس یاد کنند که در دنیا
از آب طعام را از گلو فرو می بردند فریاد کنند و آب خواهند پس حمیم بکلوبهای آهنی نزد روهای شان کرده شود
از گرمی آب روهای شان بریان شود و چون در شکم داخل شود آنچه در شکم از امعا است قطع کند آنگاه خازنان
دوزخ را گویند دعا کنید از پروردگار که یک روز از ما عذاب کم کند خازنان گویند که رسولان نزد شما نیامده بودند
گویند که آمده بودند خازنان گویند شما دعا کنید و نیست دعای کافران مگر در گمراهی یعنی ناقبول پس مالک را
گویند ای مالک دعا کن که حق تعالی ما را بمیراند مالک بعد هزار سال جواب دهد که شما همیشه در عذاب باشند
آنگاه از حق تعالی دعا کنند ای پروردگار ما بدبختی ما غالب شد و ما قومی گمراه بودیم ما را از دوزخ برآر اگر
باز کفر کنیم ظالم باشیم حق تعالی جواب دهد اِخْسَئُوا فِیهَا وَلَا تُکَلِّمُونِ یعنی دور شوید در دوزخ و سخن مگویید آنگاه

در زفیر و حسرت باشند و در روایتی آمده که این جواب بعد مدت عمر دنیا شنوند و در روایتی آمده اهل دوزخ را
پنج دعا باشد اول آنکه گویند ای پروردگار مرده کردی ما را دو بار و زنده کردی ما را دو بار اقرار کردیم بگناهان
خود آیا ما را باشد راهی بسوی برآمدن از دوزخ جواب دهد حق تعالی این عذاب از آنست که چون مردم
توحید میکردند شما اعتقاد بشرک میداشتید و شرک میکردید پس حکم مر خدا راست نه دیگری را باز ندا
کنند الٰهی ما دیدیم و شنیدیم ما را باز بدنیا بفرست تا عمل کنیم نیکو جواب یابند بچشید این عذاب را
شما فراموش کرده بودید این روز را ما شما را فراموش کردیم بچشید عذاب را همیشه بسبب اعمال خود باز
گویند ای پروردگار فرصت ده ما را تا مدتی قریب یعنی اندک در دنیا قبول کنیم دعوت ترا و پیروی کنیم رسولان را
جواب دهد خدا آیا نبودید شما که قسم میخوردید که شما را زوال نباشد باز گویند ای پروردگار ما را از دوزخ برار
عمل نیک کنیم غیر آنچه عمل میکردیم حق تعالی فرماید آیا عمر نداده بودیم شما را در دنیا آنقدر که دیگران در آن عمر پند
پذیرفتند و آمدند نزد شما رسولان ترسانند از عذاب خدا پس بچشید عذاب ظالمان را کسی مددگار نیست
باز گویند ای پروردگار ما بر ما بدبختی غالب شد و بودیم گمراه ای پروردگار ما ما را برار پس اگر باز کفر کنیم ظالم
باشیم آنگاه جواب داده شوند اِخْسَئُوا فِیهَا وَلَا تُکَلِّمُونِ باز هیچ سخن نگویند رسول فرمود صلی الله علیه وسلم
که در دوزخ مارها باشند مانند گردنهای شتر بختی و کژدمها باشد خرد ترشان مثل خچر هرگاه نیش زنند
رنج او تا چهل سال باقیماند و در روایتی آمده که نیش کژدمها مثل درخت طویل از خرما باشد مسلم از ابی هریره
روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که بدن کافر آنقدر فراخ کرده شود که دندان او مثل کوه اُحُد باشد
و پری پوست او مسافت سه مرحله راه و بروایتی آمده که مقعد او از مکه تا مدینه و در حدیثی آمده که ما بین
نرمه گوش تا دوش کافر هفتصد ساله راه باشد آتش بدن کافر را خورد تا که رسد بر دل او باز بدنش
درست شود باز همچنان کند تا ابد معاذ رضی الله عنه گفته که در یک ساعت صد بار جلد کافر سوخته شود
و باز درست گردد عمر رضی الله عنه گفته همچنین از رسول صلی الله علیه وسلم شنیده ام و بروایتی در ساعتی
صد و بیست و بار تبدیل جلد شود و بروایتی شش هزار بار و از حسن بصری مرویست که در روزی
هفتاد هزار بار و جمع روایات بتعدد اشخاص کفار میتوان کرد و نیز چون در ساعتی شش هزار بار باشد

روزی که دوازده ساعت باشد هفتاد و دو هزار میشود باسقاط کسر جمع این دو روایت میشود
و از حضرت پیغمبر مرویست که در جهنم درندگان و سگان و کژدمها و شمشیرها از آتش باشند ملائکه کافران را بدان
کلالیب قطع کنند و از آن شمشیرها عضو عضو بدان گردانند پس پیش سباع و سگان بیندازند و هر بار که عضوی
را ببرند بجای آن عضوی دیگر قائم شود و در حدیثی آمده که آتش روی کفار را آنچنان کند که لب بالا
کشیده شود تا نیم سر رسد و لب پایین فرو هشته تا ناف رسد ابن عباس در تفسیر قوله تعالی فَلْيَضْحَكُوا
قَلِيلًا وَلْيَبْكُوا كَثِيرًا تفسیر باید که دنیا قلیل است در دنیا هر قدر خواهند خندند چون دنیا منقطع شود
گریستن ایشان منقطع نگردد و رسول فرمود صلی الله علیه وسلم دوزخیان بگریند تا که آب چشم منقطع شود آن زمان
خون بگریند و در رویهای شان خندقها شوند که اگر کشتیها در آن بگذارند بروند و فرموده که دوزخیان
مدتی آب چشم ریزند بستر مدتی ریم گریند پس خازنان جهنم گویند ای بدبختان ما در دنیا نگریستید حالا کسی را
فریادرس دارید آن زمان از اقربای خود که بهشتیان باشند ندا کنند ای جماعه پدران و مادران و فرزندان
برآمده ایم از قبور تشنه و در طول موقف تشنه ماندیم و الحال تشنه ایم بریزید بر ما آب یا آنچه خدا بشما
داده است بعد چهل سال از انجا جواب یابند که حق تعالی آب وغیره بر کافران حرام کرده است دوزخیان را
در دوزخ زفیر و شهیق باشد یعنی آوازی شدید و آوازی ضعیف مثل آواز خر از اهل دوزخ کمتر در عذاب
کسی باشد که او را نعلین از آتش باشند که از آن دماغ او جوشد چنانچه دیگ میجوشد داند که کسی از من در
عذاب سخت تر نیست حال آنکه او کمتر است در عذاب عباس رضی الله عنه از رسول صلی الله علیه وسلم پرسید
که ابوطالب حمایت تو میکرد او را چیزی نفع کردی فرمود آری او در ضحضاح آتش است
اگر من نمی بودم در درک اسفل می بود ضحضاح آبی قلیل را گویند که تا شتالنگ باشد
یا کمتر از آن در حدیث آمده که ابوطالب را نعلین است از آتش که از آن دماغ او میجوشد

باب چهارم در عذاب گناهگاران از مسلمین

رسول فرمود صلی الله علیه وسلم دوزخیان در آتش نه زنده باشند یعنی بزندگی راحت و نه مرده شده

و بعضی کسان را آتش رسد پس بمیرند و مثل انگشت شوند پس حکم شود بشفاعت آنها پس آنها را آورده بر
نهرهای بهشت انداخته شوند و اهل بهشت را حکم شود که بر آنها آب ریزند پس آنها مثل سبزه بر رویند و در حدیث
آمده که گرمی دوزخ برامت من مانند گرمی حمام باشد یعنی در حق بعضی کسان و فرموده که بعضی دوزخیان را آتش
تا شتالنگ باشد و بعضی را تا زانو و بعضی را تا سینه و بعضی را تا حلق و بعضی را تا سر و فرموده زنان را که من شما را
اکثر اهل دوزخ دیدم زنی گفت چرا فرمود شما لعنت بسیار میگویید و کفران نعمت شوهران میکنید و نیز در حق زنان
فرموده که آنها بر عطا شکر نمیکنند و بر بلا صبر نمیکنند و فرمود که مردی را در دوزخ انداخته شود پس بیرون آیند امعای او
پس او در آتش گردش کند چنانچه خر گرد آسیا میگردد دوزخیان جمع شوند و بگویند ای فلان چه حالست ترا تو ما را
امر معروف و نهی از منکر میکردی گوید که من شما را امر معروف میکردم و خود آن کار نمیکردم و نهی از
منکر میکردم و خود مرتکب آن میشدم و فرموده که سخت تر در عذاب مردی باشد که طلب علم میتوانست کرد
و طلب علم نکرد و مردی عالم که بعلم خود نفع نگرفت و فرموده که زبانیه جلدی کنند در عذاب قاریان پیش از
موکلان عذاب ۱۲
عذاب بت پرستان آنها گویند که شما در عذاب ما جلدی کردید پیش از بت پرستان آنها گویند که
عالم مثل جاهل نباشد یعنی معذور نباشد و در حق کسی که قلاده یا گوشواره یا دست بند از زر پوشیده
آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرموده که قلاده و مانند آن از نار باشد علما این حدیث را در حق زنان
منسوخ گفته اند یا تاویل میکنند بعدم ادای زکات و فرموده هر که در ظرف زر یا نقره آب خورده آتش
دوزخ در شکم او آواز کند چنانچه آب در کوزه و همچنین هر کرا گریبان جبه از حریر باشد او را طوق از آتش باشد
و در صحیحین است که فرمود هر که خواب دیدن ظاهر کند و ندیده باشد تکلیف داده شود که در دو جو گره دهد
و نتواند و هر که سخن کسی را گوش نهد و او بشنیدن او راضی نباشد در گوش او سرب گداخته ریخته شود
روز قیامت و هر که صورت ذی روح سازد تکلیف داده شود که در آن روح داخل کند و هر که علم را
پوشیده کند او را لگام از آتش داده شود و هر که دو زبان باشد در دنیا یعنی روبروی شخصی بوضعی دیگر گوید
و غایبانه بوضعی دیگر او را دو زبان باشد از آتش روز قیامت و هر کرا در وضو پاشنه خشک ماند بلا باشد
پاشنه او را روز قیامت و فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم که در وضو در انگشتان خلال کنید تا آتش

و در میان ایشان باید و در صحیحین [illegible] آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرموده که هر که از بلندی خود را انداخته مرده
همیشه در دوزخ در همین عذاب باشد و هر که [illegible] خورده مرده همیشه در دوزخ زهر خورده مرده باشد و هر که
با آهن خود را کشت همیشه آهن او در دست او باشد که در شکم میزده باشد و فرموده هر که اهل مدینه را
بدی خواهد در آتش گدازد چنانچه قلعی گداخته میشود و هر که غیبت می کند گفته شود که بخور گوشت او در حالت
مردگی چنانچه خوردی گوشت او در حالت زندگی [illegible] روایت کنند و در حدیثی آمده که جماعتی
باشند که در جحیم و حمیم بگردند [illegible] و اهل دوزخ گویند که اینها کیستند که نزدیکی ایشان ما را ایذا کرده
[illegible] از ایذای نفس خود ما را گویند [illegible] ایشان ما را بود یکی آنکه مال مردم بر گردن
او باشد و ادا نشود و او معلق باشد در تابوت آتش [illegible] از سینه او سیل [illegible] و بدن [illegible]
او اعضای خود در آتش کشد سوم آنکه از سخن بد در مردم لعنت کرده [illegible] بدی باشد چهارم آنکه
غیبت و نمیمه کند او همیشه گوشت خود بخورد و از قیصور [illegible] است که گفته عالم که از علم خود منتفع نشد
دوزخیان متاذی شوند از بوی بد او و رسول فرمود صلی [illegible] چهار [illegible] زانیان ایذا دهند اهل دوزخ
را از بدبوئی و در صحیحین است که رسول فرمود صلی الله علیه [illegible] حق تعالی بر خود لازم گرفته است
آنکه هر که مسکر خورد او را نوشاند حق تعالی طینت خبال فرم[illegible] چیست فرمود عرق دوزخیان و در حدیثی آمده
که هر که خمر نوشد خدا او را حمیم جهنم نوشاند و فرمود رسول صلی الله علیه وسلم که مدینه هجرتگاه و خوابگاه منست
واجبست بر امت من گرامی کردن اهل مدینه را تا که بپرهیزند از کبائر و کسی که چنین نکند او را حق تعالی
طینت خبالی نوشاند و فرموده که در حق مسلمانان گوید آنچه در وی نباشد خدا تعالی او را ساکن ردغه خبال
کند تا که برآید از آن قول [illegible] بر نخواهد آمد از آن قول و فرموده که زنان نوحه گر را دو صف کرده بر جانب یمین و یسار
دوزخیان استاده کرده شود پس آواز کرده باشند بر دوزخیان مانند آواز سگان و فرموده که بیدادها
ظالمان سگان دوزخ باشند و در صحیحین آمده که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرموده که سخت تر عذاب مصوران را
باشد و در حدیثی آمده که سخت تر عذاب روز قیامت کسی را باشد که انبیا را دشنام دهد بعد کسی را
که اصحاب مرا دشنام دهد بعد کسی را که دیگر مسلمانان را دشنام دهد و فرموده که سخت تر عذاب کسی را باشد

که نبی را قتل کرده یا نبی او را قتل کرده و بادشاه ظالم را و مصوران را و فرموده که سخت تر عذاب روز قیامت
کسی را باشد که مردم را در دنیا عذاب سخت تر میکند و در حدیثی آمده که حق تعالی بعضی مردم را بدخول بهشت
حکم کند چون نزدیک بهشت رسند و خوبی بهشت ببینند حکم کند که اینها را از بهشت باز گردانیده بدوزخ اندازند
پس آنها بحسرتی باز گردند که دیگر دوزخیان را آن حسرت نباشد بگویند ای پروردگار اگر ما را از اول
داخل دوزخ میکردی بهتر می بود حق تعالی فرماید که همین خواستم که شما را حسرت دهم شما در خلوت
گناهان عظیم میکردید و بحضور مردم بر خلاف آن میکردید از مردم هیبت میکردید و از من هیبت نمیکردید مردم را
تعظیم میکردید و مرا نمیکردید فعل بد برای مردم ترک میکردید و برای من ترک نمیکردید امروز می چشانم شما را
عذاب الیم و محروم ساختم شما را از ثواب و فرموده که برای استهزا کنندگان با مردم دری بسوی بهشت
گشاده شود و گفته شود یکی از اینها برای خروج از دوزخ و او با کرب و محنت آید چون نزدیک در رسد در را
بند کرده شود و همیشه همچنین شده باشد تا آنکه چون دروازه گشاده شود و گفته شود که بیا از ناامیدی نیاید
و در حق چند کس در احادیث وارد شده فَلْيَتَبَوَّأْ مَقْعَدَهٗ مِنَ النَّارِ یعنی باید که خانه خود در دوزخ
سازد و کسی که بر پیغمبر صلی الله علیه و سلم دانسته دروغ بندد و کسی که دعوی دروغ کند و کسیکه شهادت
دروغ دهد و کسیکه قسم دروغ خورده مال برادر مسلمان خورد و کسیکه دوست دارد آنکه مردم پیش او ایستاده
باشند و در حدیث وارد شده که گناهگاران سوای امت محمد صلی الله علیه و سلم در دوزخ انداخته شوند
روهای شان سیاه شود و قیدهای آهنی در پا و طوقها در گردن آنها باشد و گناهگاران امت محمدی صلی الله علیه
و سلم اگر در دوزخ انداخته شوند روهای شان سیاه نباشد و نه قید در پا و نه طوق در گردن آنها را دیده
مالک گوید که از شما خوب روتر بر من وارد نشده است شما از کدام امت هستید گویند ما از امت قرآن
هستیم از امیر المومنین علی و ابی هریره رضی الله عنهما مرویست که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که اهل کبائر
از موحدان که بدون توبه مرده باشند هر که از اینها داخل دوزخ شود چشمهای شان ازرق نشود و روهای
شان سیاه نباشد و با شیاطین در یک زنجیر کرده نشوند و طوق در گردن و زنجیر در پا کرده نشوند و حمیم نخورانیده
شوند و قطران نپوشانیده شوند و خلود در آتش آنها را نباشد و صورتهای شان بر آتش حرام کرده بسبب سجود

بعضی آنها را آتش باشد تا قدم و بعضی را تا پاشنه و بعضی را تا ران و بعضی را تا کمر و بعضی را تا گردن بقدر گناهان شان بعضی از آنها یک ساعت بعضی یکروز یعنی بقدر یکروز دنیا و بعضی یکماه و بعضی یکسال در دوزخ باشند بعد ازان ازان خارج کرده شوند و درازتر مدت ماندن شان در دوزخ مثل عمر دنیا باشد یعنی هفت هزار سال

فصل چون خواهد که حق تعالی آنها را از دوزخ برارد یهود و نصاری و بت پرستان و غیره اهل ادیان باطله مومنان را گویند که ما و شما در دوزخ برابریم یعنی ایمان شما چه فائده کرد حق تعالی در غضب آید و مومنان را از دوزخ برارد و بسوی چشمه که درمیان بهشت و دوزخ است بیفگند پس آنها مانند سبزه برویند پس در داخل بهشت شوند و بر پیشانی شان نوشته باشد [illegible] عتقاء الله بعد مدتی آن نوشته محو شود پس حق تعالی فرشتگان را بفرستد باز درهای دوزخ بر کسانیکه باقی مانده اند [illegible] بند کنند و میخهای آتشی بر آنها زنند و احمد از ابی هریره آورده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم [illegible] الله تعالی بروز قیامت بر کسانیکه عمل نیک گاهی نکرده اند پس برارد آنها را از دوزخ بعد سوخته شدن پس داخل بهشت کند برحمت خود بعد شفاعت شفاعت کنندگان و بزار از ابن عمر روایت کرده که گفته بر آتش وقتی آید که بادها درهای آنرا در حرکت درارد و کسی دران نباشد شیخ محی الدین عربی ازین حدیث موقوف میگوید که بعد مدتهای مدید در دوزخ کفار هم باقی نمانند و مراد از خلود آنها مکث طویل است لیکن این قول مخالف نصوص قطعیه و اجماع است و علما این حدیث را تاویل میکنند و میگویند که جای عاصیان مومنان که طبقهٔ علیاست از دوزخ خالی شود و کسی از موحدان دران نماند طبرانی از انس و از جابر بسند صحیح آورده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که مردان از امت من بسبب گناهان عذاب کرده شوند تا وقتیکه خدا خواهد پستر عار دهند آنها را کفار که شما را تصدیق رسول هیچ نفع نکرد پس حق تعالی بفرماید که برارند هر کرا که باشد مسلمان آن زمان کافران آرزو کنند که کاشکی مسلمان بودمی آنحضرت این آیت خواند رُبَمَا یَوَدُّ الَّذِیْنَ کَفَرُوْا لَوْ کَانُوْا مُسْلِمِیْنَ حاصل آنکه مسلمانان را در دوزخ خلود نباشد رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که هر که لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ گوید و بر همین اعتقاد بمیرد البته داخل بهشت شود ابوذر گفته که اگرچه زنا کرده یا سرقه کرده باشد آنحضرت فرمود اگرچه زنا و سرقه کرده باشد باز ابوذر همان گفته یعنی پرسید باز آنحضرت

همان فرموده و در مرتبهٔ سوم گفته علیٰ رغم انف ابی ذر و فرموده هر که بمیرد در حالیکه شرک
نکرده باشد داخل بهشت شود و هر که بمیرد و مشرک باشد داخل دوزخ شود و احادیث درین باب
بسیار اند زیاده از حد تواتر و در بعضی احادیث وارد شده که هر که شهادت دهد بتوحید و برسالت محمد
صلی الله علیه وسلم حق تعالی آتش دوزخ بروی حرام کرده مراد آنست که آتش مؤبده و خلود در دوزخ
بروی حرامست بدلیل دیگر احادیث که در عذاب گناهگاران از مسلمین وارد شده و آنچه ابن حبان از
ابی هریره روایت کرده که آنحضرت فرموده که هر که لا اله الا الله گفت نفع خواهد کرد او را روزے
از دهر پیش ازان آنچه او را رسد [illegible] و حاکم از انس روایت کرده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که
حق تعالی بفرماید که از آتش برارید کسی را که روزی مرا یاد کرده و یا بجاے از من ترسیده باشد

فصل در صحیحین از ابن عمر مرویست چون بهشتیان تمام داخل بهشت شوند و همه دوزخیان یعنی کفار
در دوزخ مانند استاده شود بانگ دهنده درمیان شان و آواز کند ای اهل دوزخ موت نیست
و ای اهل بهشت موت نیست هر یک در آنچه هست همیشه باشد و هم در صحیحین است از ابن عمر و ابی سعید
خدری که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که وقتیکه همه بهشتیان در بهشت شوند و دوزخیان در دوزخ
مانند موت را بصورت کبش سیاه درمیان دوزخ و بهشت آورده شود و گفته شود ای اهل بهشت
و ای اهل دوزخ موت را میشناسید هر یک گردن دراز کند و ببیند و گوید آری این موتست پس او را
ذبح کرده شود و گفته شود ای اهل بهشت خلودست و ای اهل دوزخ خلودست موت نباشد رسول فرمود صلی الله
علیه وسلم که اگر اهل دوزخ را گفته شود که شما در دوزخ باشید عدد سنگریزهٔ دنیا هر آینه خوش شوند و اگر
اهل بهشت را گفته شود که شما در بهشت باشید عدد سنگریزهٔ دنیا هر آینه غمگین شوند لیکن برای انها خلودست ابداً
از ابن مسعود مرویست که چون باقی ماند کسیکه در دوزخ مخلد باشد آنها را در صندوقهای آهنی کرده دران
میخهای آهنی زده و آن صندوقها را در صندوقهای دیگر آهنی کرده انداخته شوند بپائین ترِ دوزخ پس هر یک
از آنها داند که غیر او کسی دیگر در عذاب نیست و هم از ابن مسعود مرویست که منافقان را در صندوقهای آهنی کرده
درکِ اسفل دوزخ در تنورها تنگ تر از میخ که کوفته شود و تیره کرده شود آنرا جب الحزن گویند

ع رغم انف آلوده شدن بینی ابی ذر کنایه از ناخوشی او ۱۲
ع ای بدلیل آنچه ابن حبان الخ ۱۲

[illegible]

باب پنجم در صفت جنت و در دخول بهشت و نعمتهای بهشت

دخول بهشت محض بفضل خداست جل وعلا در صحیحین از عائشه صدیقه مرویست که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم محکم گیرید کار خود را و نزدیکی جوئید بخدا و خوش باشید بدرستی که داخل بهشت نخواهد کرد کسی را عمل او گفتند یا رسول الله و نه ترا فرمود و نه مرا مگر آنکه بپوشد مرا حق تعالی بمغفرت و رحمت خود و در صحیح مسلم از جابر مرویست که آنحضرت فرموده که داخل بهشت نخواهد کرد کسی را عمل او و نه خلاص خواهد کرد کسی را از دوزخ عمل او و نه مرا مگر رحمت از خدا و همچنین در احادیث [illegible] وارد شده این سخن مشکل میشود بقوله تعالی ادخلوا الجنة بما کنتم تعملون یعنی داخل شوید بهشت را بسبب اعمال خود جواب داده میشود بدانکه اصل دخول جنت و خلود در آن بفضل خداست چرا که خلود غیر متناهی ست و اعمال متناهی ست و تفاوت درجات جنت بسبب اعمال ست هناد از ابن مسعود روایت کرده که خواهند گذشت مردم از صراط بعفو خدا و داخل بهشت خواهند شد برحمت خدا و تقسیم خواهند کرد منازل را در بهشت باعمال خود فقیر گوید که چون حق سبحانه تعالی اعمال محقر بندگان را برحمت خود قبول فرموده و جزای اعمال محقره متناهی را دخول جنت و ثواب غیر متناهی مقرر فرموده بعد از ان اگر گفته شود که دخول جنت جزای اعمال است گنجایش دارد و اگر گفته شود که دخول جنت برحمت خداست هم گنجایش دارد طبرانی و بیهقی از سلمان فارسی از آنحضرت روایت کرده که هر کسی را حکم شود بدخول جنت چیٹھی (لفظ هندی ۱۲) از حضور عنایت شود باین عبارت بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ هٰذَا كِتَابٌ مِّنَ اللّٰهِ الْعَزِيْزِ الْحَكِيْمِ لِفُلَانٍ اَدْخِلُوْهُ جَنَّةً عَالِيَةً قُطُوْفُهَا دَانِيَةٌ یعنی این خط از الله عزیز حکیم ست برای فلان کس او را داخل کنید بهشت عالی را که ثمرهٔ آن نزدیک ست و چون مردم داخل بهشت شوند خازنان بهشت گویند سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوْهَا خَالِدِيْنَ و از هر در فرشته بیایند و بگویند سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ و بهشتیان گویند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ صَدَقَنَا وَعْدَهٗ وَاَوْرَثَنَا الْاَرْضَ نَتَبَوَّاُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ و بگویند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ هَدَانَا لِهٰذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ

سلام بر شما باد خوشحال شدید پس در آیید بهشت را جاویدان ۱۲

سلامتی بر شما باد بسبب آنچه صبر کردید پس نیکست خانه آن سرای آخرت

ستایش مر خدای را که راست کرد با ما وعده خود را و عطا کرد ما را زمین جای میگیریم بهشت هر جا که خواهیم

ستایش آن خدای را که دلالت کرد ما را بسوی این بهشت و هرگز نبودیم ما راه یابنده ۱۲

لولا أن هدانا الله لقد جاءت رسل ربنا بالحق و بگویند الحمد لله الذی اذهب عنا الحزن ان ربنا لغفور شکور و چون مردم داخل بهشت شوند اول طعام شان زیادت جگر ماهی باشد

فصل در صفت جنت و عدد آن حق تعالی در قرآن میفرماید ولمن خاف مقام ربه جنتان و باز فرموده ومن دونهما جنتان یعنی هرکه خوف کند از استادن پیش پروردگار خود برای آنها دو بهشت ست و پایین تر از انها دو بهشت دیگر اند در صحیحین و غیرهما از ابی موسی اشعری مرویست که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که بهشت چهار اند دو از نقره است عمارتها و آنچه در انست از نقره است و دو از زرست عمارتها و آنچه در انست از زرست و نباشد در میان قوم و رویت خدا مگر پرده کبریا در جنت عدن دو بهشت از برای سابقین ست و دو بهشت نقره برای تابعین ست و بروایتی برای اصحاب یمین قرطبی گفته بعضی علما گفته اند جنات هفت اند ۱ دار الجلال ۲ دار السلام ۳ دار الخلد ۴ جنت عدن ۵ جنة الماوی ۶ جنت نعیم ۷ فردوس و بعضی علما گفته اند که چهار اند چنانچه حدیث ابی موسی دلالت دارد و از سیاق سوره رحمن مستفاد میشود و این همه نامها هر چهار بهشت راست و در هر بهشت درجات و منازل بیشمار اند در صحیحین از ابی هریره مرویست که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم هر که ایمان آورد بخدا و رسول او صلی الله علیه وسلم و نماز گزارد و زکات دهد و روزه رمضان گزارد حق ست بر خدا که او را داخل بهشت کند در راه خدا جهاد کند یا در خانه خود نشسته باشد یعنی فرایض ادا کند و جهاد فرض عین نیست غالباً مردم گفتند یا رسول الله خبر نمیدهی مردم را بدان فرمود که در بهشت صد درجه ست که مهیا کرده ست حق تعالی آن درجات را برای مجاهدین فی سبیل الله میان هر درجه آنقدر تفاوت است که در میان آسمان و زمین ست پس چون سوال کنید از حق تعالی سوال کنید فردوس را که بهتر جنت ست و بالای آن عرش رحمن ست و از انجا نهرهای بهشت میشگافد ازین حدیث معلوم میشود که صد درجه مجاهدین فی سبیل الله راست و برای دیگر اهل حسنات دیگر درجات باشند و در دیگر احادیث آمده از معاذ و عباده بن الصامت رضی الله عنهما که آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم بهشت را صد درجه است میان هر دو درجه مانند تفاوت آسمان و زمین ست و فردوس اعلی از همه است شاید که مراد ازین احادیث درجات مجاهدین باشد

ف اگر راه نمودی ما را خدا هر آئینه آمدند فرستادگان پروردگار ما براستی ۱۲

ف همه ستایش خدای راست که دور کرد از ما اندوه را هر آئینه پروردگار ما آمرزنده قدرشناس است ۱۲ فتح الرحمن ۱۲

و در حدیثی آمده که هر که یک تیر بسوی دشمن خدا اندازد حق تعالی درجهٔ او بلند کند در میان دو درجه صد ساله راه باشد و در حدیثی آمده که در بهشت صد درجه است میان هر دو درجه تفاوت آسمان و زمین است و در درجهٔ اول خانها و تختها و درها و دیوارها و قفلها از نقره است و در درجهٔ ثانیه آن همه از زر است و در درجهٔ سوم همه آن از یاقوت و مروارید و زبرجد است و نود و هفت درجه بقسمی است که نمیدانند آنرا بجز حق تعالی و مسلم از ابی هریره روایت کرده که آنحضرت فرمود آیا خبردار نکنم شما را بر آنچه دور کند خطایا و بلند کند درجات گفتند بلی فرمود اسباغ وضو بر مکاره یعنی در حالت ناخوش آمدن استعمال آب وضو بخوبی کند و دور رفتن بمسجدها و انتظار نماز بعد نماز همین است رباط[له] و بیهقی از عایشه روایت کرده که آنحضرت فرمود که درجات بهشت بعدد آیتهای قرآن است پس هر که داخل شود در بهشت از اهل قرآن بالای او درجه نباشد یعنی هر که تمام برکات قرآن گیرد تمام درجات را در گیرد این حدیث را بر آن حمل نباید کرد که درجات بهشت شش هزار و ششصد و شصت و شش است بعدد آیات قرآن بلکه حمل بر آن باید کرد که هر قدر که آیات قرآن را تکرار کند برای او درجات بهشت نیز از اصحاب سنن و ابن حبان از ابن عمر روایت کرده که آنحضرت فرمود صاحب قرآن را گفته شود که قرآن بخوان و ترقی کن و ترتیل کن چنانچه ترتیل میکردی در دنیا و در حدیثی آمده که مردی در بهشت نظر بفوق کند نوری از فوق درخشد که بصر او را خیره کند بگوید که این چیست گفته شود که این نور برادر تست فلان گوید که من و او در دنیا باهم بودیم و عمل میکردیم و اینقدر او را بر من فضل چرا شد گفته شود که او از تو در عمل افضل بود حق تعالی در دل او رضا داد حسد نکند و در حدیثی سبب افضلیت مذکور شده که آنها گرسنگی کشیدند و شما سیر بودید و آنها تشنگی برداشتند و شما سیراب میشدید و آنها شبها بیداری میکردند و شما خواب میکردید و در حدیثی آمده که نزد خدا درجه ایست که تا آنجا بعمل نتوان رسید حق تعالی بنده را ابتلا کند تا آنجا رسد و آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که در بهشت درجه ایست که نمیرسد آنرا مگر اصحاب هموم و غموم در بهشت درجه ایست که نرسد آنرا مگر سه کس بادشاه عادل و ذو رحم وصل کننده و عیالدار صابر

فصل حق تعالی میفرماید وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُم بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُم مِّنْ عَمَلِهِم مِّن شَيْءٍ ط یعنی کسانیکه ایمان آوردند یعنی ایمان کامل و تبعیت کردند ایشانرا

[له] رباط بکسر اول نگاهداشتن سرحد دشمن از پیوسته بودن در آنجا ۱۲ منتخب اللغات

۱۲ مختصر

اولاد آنها با یمان یعنی آنها مومن هم هستند لاحق کنیم با آنها اولاد آنها را و از عمل شان چیزی کم نکنیم آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که حق تعالی ذریت مسلمان را بدرجهٔ او رساند برای سردی چشم او و در حدیثی آمده که چون مردی داخل بهشت شود از مادر و پدر و فرزندان خود بپرسد گفته شود که آنها بدرجهٔ تو نرسیده اند و مثل تو عمل نکرده اند گوید ای پروردگار من آنچه عمل کرده ام برای خود و برای آنها کرده ام پس امر شود بالحاق آنها و فرموده که هرکه بلندی درجات خواهد باید که عفو کند کسی را که بروی ظلم کرده و بدهد کسی را که او را محروم کرده و وصل کند با کسی که از وی قطع کند و فرموده هرکه برساند بسوی بادشاه برادری را برای جلب نفع یا دفع ضرر خدا درجات او بلند کند و فرموده که هرکه کهانت کند یا فال از پرنده گیرد و از سفر باز ماند بدرجات بلند نرسد و ابراهیم تیمی گفته که شخص هر قدر که در دنیا از طعام یا شراب حظ بردارد در آخرت درجهٔ او کم شود فقیر گوید که این قول محمول بر اسراف است وگرنه در حدیث آمده الطَّاعِمُ الشَّاكِرُ كَالصَّائِمِ الصَّابِرِ ابن عمر گفته که شخصی با غلام خود داخل بهشت شود و درجهٔ غلام بلند باشد بگوید ای پروردگار این غلام من بود در دنیا گفته شود که این ذکر خدا بیشتر از تو کرده طبرانی از ابی هریره روایت کرده که آنحضرت فرموده که روز قیامت حق تعالی ندا کند که من نسب مقرر کرده بودم و شما نسب دیگر گفتید من متقی را اکرم ساختم و شما اینمعنی نپسندیدید و گفتید که فلان بن فلان از فلان بن فلان بهتر است امروز نسب مقرر کردهٔ خود را بلند کنم و نسب شما را پست سازم متقیان کجا اند یعنی مرتبهٔ متقیان بقدر تقوی بلند شود و در حدیثی آمده که دو دو کس در راه خدا هم صحبت باشند و اعمال صالحه کنند غنی و فقیر صحیح و مریض حر و مملوک نیک خلق و بد خلق حق تعالی مرتبهٔ صحیح بر مریض و حر بر مملوک و غنی بر فقیر و نیک خلق بر بد خلق برتر کند فقیر و مریض و مملوک و بد خلق گویند الهی ما باهم در راه تو همصحبت بودیم و عمل صالح میکردیم اینها را بر ما چرا فضیلت دادی گفته شود که غنی مال خود در راه خدا خرج کرده است و صحیح و حر از مریض و مملوک در اعمال صالحه زیادتی کرده اند و نیک خلق را بسبب حسن خلق فضیلت شده فقیر گوید که الهی اگر مرا مال میدادی من هم در راه تو خرج میکردم و مریض و مملوک گویند الهی اگر مرا صحیح و حر میکردی همچنان عمل میکردم حق تعالی فرماید که راست گفته اید پس فقیر را برابر غنی و مریض را برابر صحیح و مملوک را برابر حر مرتبه داده شود و بد خلق هیچ جواب نیابد

فصل هر بهشت را هشت دروازه باشد نمازیان را از باب الصلوة و صائمان را از باب الصوم
و صدقه دهندگان را از باب الصدقه و مجاهدان را از باب الجهاد طلبیده شود ابوبکر گفته یا رسول الله
از هر دری که طلبیده شود خوب است لیکن کسی باشد که از همه دروازها او را طلبیده شود فرمود امید دارم
که تو از ان مردم باشی قرطبی گفته از همه درها طلبیدن بنابر اکرام است در حدیثی آمده که انسان کم
عمل که بهشتی گشته بهمان در طلبیده شود در حدیث آمده که هر که بعد وضو اَشْهَدُ اَنْ لَّا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهٗ
لَا شَرِيْكَ لَهٗ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهٗ وَرَسُوْلُهٗ گوید هشت دروازه بهشت برای او کشاده شود
از هر چه خواهد داخل شود و فرموده که هر که نماز پنجگانه و روزه رمضان کند و زکات دهد و از هفت کبیره
پرهیز د هشت دروازه بهشت برای او کشاده شود و بشارت بکشادن هشت دروازه بهشت
وارد شده در حق کسی که سه فرزند طفل او را مرده باشند و در حق کسی که تشنه را آب دهد و گرسنه را
از طعام سیر کند و در حق زنی که تقوی کند و محافظت فرج خود و متابعت زوج خود کند و در حق کسی که
چهل حدیث یاد کند که مردم را نفع دهد و در حق کسی که او را دو دختر یا دو خواهر یا دو عمه باشد آنها را پرورش کند

فصل رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که دیوارهای بهشت را خشتی از زر و خشتی از سیم بجای گل
مشک باشد و سنگریزهای آن مروارید و یاقوت و خاک آن زعفران هر که داخل بهشت شود همیشه
خوش باشد ناخوش نشود و همیشه باشد نمیرد و پارچه او کهنه نشود و جوانی او زائل نگردد و نهرهای بهشت
در غار نروند بالای زمین روند درمیان دو بازوی دروازه بهشت چهل ساله راه باشد روزی چنان ازدحام
شود که مردم پهلو به پهلو زنند و تنگ باشند و در صحیحین است که داخل بهشت شوند از امت من هفتاد هزار
یا هفت لک راوی شک کرده داخل شوند برابر دست بدست گرفته روی شان مانند ماه شب چهاردهم باشد

فصل در بهشت غرفها باشند بلند از جواهر شفاف که ظاهر آن از باطن و باطن آن از ظاهر دیده شود
اهل بهشت اهل غرفها را بینند بالای خود چنانچه ستاره دور در افق مشرق یا مغرب دیده شود برای
تفاضل که درمیان شان باشد گفتند یا رسول الله آن منازل انبیا را باشد دیگران تا آنجا نرسند
فرمود قسم بخدا که آن منازل مردان را باشد که ایمان آورده باشند بخدا و تصدیق کرده باشند پیغمبران را

۲ قوله هفت کبیره [illegible] از ابی هریره روایت است که فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم پرهیز کنید از هفت گناه هلاک کننده گفتند یا رسول الله آن کدام است فرمود شرک بخدا و جادوگری و کشتن جان که حرام کرده است خدای تعالی مگر بحق و خوردن سود و خوردن مال یتیم [illegible] و گریختن از جنگ و تهمت زنا نهادن بر زنان پاک ایمان دار [illegible] کذا فی [illegible]

و در حدیثی آمده که غرفها برای کسانی باشد که با هر یک کلام نیکو بنرمی گویند و مردم را طعام خورانند و شبها
نماز گزارند درحالیکه مردم خفته باشند و در حدیثی آمده و با هر یک سلام گویند و در حدیثی آمده روزه
متصل دارند و در حدیثی آمده کسی که بر برادر خود سلام گوید و سلام دهنده را جواب سلام گوید او گویا
افشای سلام کرده و کسیکه اهل و عیال خود را از طعام سیر کرده پس اطعام طعام کرده و هر که ماه رمضان
و سه روز از هر ماه روزه داشت گویا همیشه روزه داشت و هر که نماز عشا و فجر بجماعت خواند او نماز خواند
در شب درحالیکه مردم یعنی کافران در خواب باشند این سخن رسول کریم فرمود مردی را که گفت یا رسول الله
کرا طاقت است که افشای سلام و اطعام طعام و دوام صیام و قیام لیل کند وَالنَّاسُ نِيَامٌ در اصل آنکه
اگر زیاده طاقت نباشد اینقدر هم کافی است اگر فضل الهی شامل حال است و در حدیثی آمده که حق تعالی غرفهای
بهشت مهیا کرده است برای کسانیکه برای خدا دوستی دارند و ملاقاتها نمایند و آنچه خرج کنند برای خدا کنند
در حدیثی آمده که غرفهای بهشت را نه علاقه باشد از فوق و نه ستون باشند از تحت مردم گفتند
پس چگونه آنجا رسند فرمود مانند پرنده پریده رسنده باشند آن غرفها صاحب بیماریها و صاحب دردها و بلاها
و از عمران بن حصین و ابی هریره مرویست که از آن حضرت احوال مَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ
پرسیده شد فرمود قصر باشد از مروارید در آن قصر هفتاد خانه باشند از یاقوت سرخ در هر خانه هفتاد حجره
باشد از زمرد سبز در هر حجره هفتاد تخت باشند بر هر تخت هفتاد فرش باشد رنگارنگ بر هر فرش زوجه
از حور و در هر حجره هفتاد خوان بر هر خوان هفتاد رنگ طعام و در هر خانه هفتاد غلام و هفتاد کنیز و مسلمانرا
قوت جماع آنقدر باشد که با همه زوجات جماع کند و در احادیث اعمال صالحه که سبب بنای خانه
در بهشت باشند بسیار مذکور شده اند از انجمله بنا کردن مسجد و مواظبت بر سنن رواتب و نماز ضحی
و چهارگانه پیش از عصر و ده رکعت خواندن در میان مغرب و عشا و سوره دخان خواندن شب جمعه
و روز جمعه و روزه داشتن چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه و در حدیث آمده که هر که وقت داخل شدن
بازار گوید أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي
وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ نوشته شود برای او هزار هزار حسنه

و دور کرده شود از وی هزار در هزار گناه و بنا کرده شود او را خانه در بهشت و آنحضرت فرموده که هر که ده بار سوره اخلاص
خواند یکخانه برای او در بهشت بنا کرده شود و اگر بیست بار خواند دو خانه و اگر سی بار خواند سه خانه عمر گفت یا
رسول الله درین صورت بسیار خانها در بهشت کنیم فرمود فضل خدا فراختر است طبرانی از حکیم بن محمد
روایت کرده که بسبب ذکر خدا بنا در بهشت میشود چون شخص از ذکر بند میشود از بنا کردن بند میشوند
پس گفته شود آنهارا که چرا باز ماندید از بنا گویند تا که بما نفقه رسد و همچنین از علی بن ابو نعیم روایت کرده و
در حدیثی آمده هر کرا پسر مرد و او صبر کرد و حمد گفت و **انا لله وانا الیه راجعون** گفت حکم شود که بنا کنند
برای بنده خانه در بهشت و نام نهند آن خانه را بیت الحمد و فرمود که هر که در صف نماز یا صف قتال فرج
بند کند [illegible] او بلند کند و بنا کند برای او خانه در بهشت و فرمود هر که دروغگوئی ترک کند خانه او
در بهشت بنا شود و هر که ترک کند جدال را و او محق باشد بنا کند خدا برای او خانه در میانه بهشت و هر کرا
خلق حسن باشد در اعلی بهشت خانه او باشد حصن حصین ۱۲ و فرمود هر که در رمضان نماز خواند بهر سجده هزار حسنه نوشته شود
و خانه در بهشت بنا شود از یاقوت سرخ و فرمود هر که قبر مسلمانی کند خانه او در بهشت بنا شود

فصل بوی بهشت از پانصد ساله راه رسد و در بعضی احادیث آمده از هفتاد ساله راه و در بعضی
پانصد و هفتاد ساله راه و در حدیثی آمده از هزار ساله راه رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که هر که ذمی را کشت
او را بوی بهشت نرسد و همچنین وارد شده در حق کسی که رعیت خود را رعایت و پرورش نکند و در حق کسی که
خود را بغیر پدر خود نسبت کند و در حق کسی که منت نهد بعمل خود و کسیکه نافرمانی والدین کند و کسی که مدمن
خمر باشد و کسیکه قطع رحم کند و کسیکه در پیری زنا کند و کسیکه بتکبر ازار خود بر زمین کشد و کسیکه خضاب
سیاه کند و فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم مردی که در دل او مقدار
دانه خردل کبر باشد حلال نیست او را که بوی بهشت بوی رسد یا بهشت را ببیند

فصل در صحیحین از ابی هریره مرویست که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که درختان بهشت آنچنان
باشند که اگر در سایه او سوار صد ساله راه رود سایه او را قطع نکند و ترمذی از اسماء بنت ابی بکر از آنحضرت
صلی الله علیه وسلم روایت کرده که در ذکر سدرة المنتهی فرموده که سیر کند سوار در سایه یک شاخ وی صد ساله را

دوران پردانهای زر باشند و ثمر آن مثل قلها باشند و فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم طوبی درخت
صد ساله راه پارچه پوشاک بهشتیان از آن بر آید و فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم درختی در بهشت نباشد
مگر آنکه تنه او از زر باشد و از ابن عباس روایت است که نخل بهشت را تنه زمرد سبز و شاخهای آن طلای سرخ
و برگ آن پوشاک اهل بهشت قطعی و هم حُللها و ثمر آن مثل قلّه سفید از شیر و شیرین تر از عسل و نرم تر
از زبد و نباشد او را هسته سلمان فارسی رضی الله عنه چوبی خرد در دست گرفت و گفت اگر در بهشت
اینقدر چوب طلب کنی نیابی مردم گفتند که آنجا نخل و شجر باشد فرمود که بیخ و تنه آن از مروارید و زر باشد
و بالای آن ثمر باشد یک اعرابی از آنحضرت صلی الله علیه وسلم گفت یا رسول الله در بهشت درختی مذکور شده که
ایذا رساند صاحب خود را فرمود آن چیست گفت سدره فرمود حق تعالی می فرماید فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ
یعنی قطع کرده شده قطع کند حق تعالی خار او را بجای هر خار ثمره باشد از هر ثمره هفتاد و دو رنگ بر آید که
مشابه یکدیگر نباشد و ثمره درختان بقسمی باشد که استاده و نشسته و بر زمین خفته بهر حال میتوان گرفت
مجاهد رضی الله عنه گفته که زمین بهشت از نقره باشد و خاک او از مشک و درختان از زر و نقره و شاخها
از مروارید و زمرد و ثمرها بقسمی که استاده و نشسته و خفته آن را گیرد و مسروق رضی الله عنه گفته که ثمره
جنت هرگاه شکسته شود بجای آن دیگر قائم شود و ابی هریره گفته که سدره بهشت را طوبی گویند حق تعالی
می فرماید بشگاف برای بنده صالح من هر چه خواهد پس بشگافد از آن اسب مع زین و لگام چنانچه خواهد برآید
شتر با رحل و مهار بقسمی که خواهد برآید پارچه آنچه خواهد و در احادیث وارد شده که هر که سُبْحَانَ اللّٰهِ الْعَظِيمِ
گوید برای او درختی در بهشت نشانده شود رسول صلی الله علیه وسلم ابو هریره رضی الله عنه را دید که
درختی می نشاند فرمود که دلالت کنم من ترا بر درختی بهتر ازین گفت آن چیست فرمود سُبْحَانَ اللّٰهِ
وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ أَكْبَرُ بهر کلمه ازین درختی برای تو نشانیده شود رسول صلی الله
علیه وسلم ابراهیم علیه السلام را در خواب دید گفت یا محمد امت خود را از من سلام بگو و خبر ده که بهشت خوش
خاک است و شیرین آب و آن یک درخت است درختهای آن لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ أَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ
وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ [illegible] آنحضرت [illegible] صلی الله [illegible]

درخت در بهشت نشانده شود و از ابن عباس رضی الله عنه گفته که هرکه برای کار نیک رود بر وی جانوران
یمین و دریا رحمت فرستند و بهر قدم در بهشت درختی نشانده شود و گناهان او بخشیده شود حق تعالی
میفرماید فیهما فاکهة و نخل و رمان و فواکه مما یشتهون و فاکهة کثیرة لا مقطوعة
و لا ممنوعة فیهما من کل فاکهة زوجان و ابن عباس رضی الله عنه
گفته که در دنیا از ثمرهای بهشت نیست مگر نام و گفته هرچه در دنیا از ثمره هست شیرین و تلخ تا که حنظل در بهشت هم هست
یعنی صورتهای هریک فناها در بهشت باشند لیکن در حقیقت و لذت چیز دیگر باشد و ثمره بهشت را دوازده گز طول باشد و جسته باشد

فصل حق تعالی میفرماید وامددناهم بفاکهة و لحم مما یشتهون رسول فرمود صلی الله علیه و سلم
بدرستیکه تو بینی پرنده در بهشت و رغبت کنی در خوردن آن بیفتد پیش تو بریان شده و از ابی امامه گفته
مردی در بهشت رغبت طیری کند افتد پیش او مثل شتر بختی رسیده بوی دود و نه آتش پس تر از آن بخورد
تا که سیر شود باز آن پرنده بپرد رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که اهل بهشت طعام خورند و بنوشند و بول نکنند
و آب دهن و آب بینی نه بیندازند طعامیکه خورند از آروغ و عرق بیرون رود بوی آن مثل بوی مشک
باشد و فرمود مردی را در بهشت در خوردن و نوشیدن و جماع کردن قوت صد مرد باشد
فرمود که مومنان را از طرف خدا هدایا آیند در اوقاتی که نمازها میخواندند و فرشتگان بر ایشان سلام گویند

فصل در بهشت نهرها باشد از آب و از شیر که متغیر نشود و از خمر و از عسل و چشمه باشد سلسبیل نام که
شدید الجریان باشد و چشمه باشد کافور نام و چشمه باشد زنجبیل نام و چشمه باشد تسنیم نام که بهترین
شرابهای بهشت است صرف از آن مقربان خورند و دیگران را از آن خلطی شود حق تعالی میفرماید و
مزاجه من تسنیم عینا یشرب بها المقربون رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که
نهرهای بهشت از کوه مشک برآیند و فرموده که نهرهای بهشت در غار نروند برروی زمین روند و کنارها
شان از مروارید و خاک آن از مشک باشد و از ابن عباس رضی الله عنه مرویست که در بهشت
نهریست که آنرا بیدخ گویند بر وی قبها باشند از یاقوت زیر آن دختران باشند روییده مردها
برای سیر آنجا آیند و آن دختران بینند اگر دختری کسی را خوش آید دست زند و بوی رساند

آن دختر همراه او شود و بجای او دختری دیگر بروید و در حق نهرهای بهشت حق تعالی میفرماید
یُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا یعنی اهل بهشت هرجا که خواهند آن نهرها را آنجا ببرند با اهل بهشت قضیبها شاخ درخت ۱۲ باشند
از زر از آن قضیبها اشاره کنند همراه آن قضیبها نهرها جاری شوند احمد از ابی سعید خدری روایت کرده
که آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که هر که مسلمان را در تشنگی آب خوراند حق تعالی او را از رحیق مختوم بنوشاند
و رحیق مختوم عبارت از خمریست که در آخر آن لذت و بوی مشک باشد و از خمر بهشت صداع نشود
چنانچه در قرآن است و عقل زائل نگردد و چون اهل بهشت را رغبت شراب شود بدست او آنقدر داده شود
که نه زیاده باشد از خواهش او نه کم و فرمود که هر که در دنیا خمر خورد و توبه نکند در آخرت ازان محروم باشد
اگرچه داخل بهشت شود و فرموده که هر که خمر خورد در دنیا یا بچه صغیر را خورانید او را حق تعالی حمیم جهنم
خوراند و هر که بخوف خدا خمر را ترک دهد با وجود قدرت بران او را در حظیرة القدس مکان پاک ۱۲ خورانیده شود و در حدیث
وارد شده که در بهشت درختی باشد که ازان لباس بهشتیان بر آید اگر خواهد سفید و اگر خواهد سرخ و اگر خواهد
سبز و اگر خواهد سیاه و اگر خواهد زرد باریکتر و خوبتر ابن ابی حاتم از کعب احبار آورده که اگر پارچه بهشت را کسی
در دنیا پوشد چشمها دیدن آنرا متحمل نشوند هر که آنرا بیند بیهوش شود و بمیرد و صابونی از عکرمه روایت کرده
که لباس بهشتی در یک ساعت هفتاد رنگ تبدیل شود و در صحیحین مرویست که آنحضرت فرموده هر که حریر در دنیا بپوشد
در آخرت نپوشد اگرچه داخل بهشت شود و فرموده که هر که در دنیا در ظرف زر یا نقره خورد در آخرت ازان نخورد

فصل در صحیحین است که مومن را از زیور پوشانیده شود تا جائیکه آب وضو آنجا رسیده و حاکم و ترمذی و غیره
از آنحضرت صلی الله علیه وسلم آورده که بهشتیان را تاج باشد که ادنی مروارید آن مابین مشرق و مغرب روشن سازد
و آنحضرت فرموده که هر که مرده را کفن دهد او را از سندس و استبرق بهشت پوشانیده شود و فرموده هر که
مصیبت زده را تعزیت کند حق تعالی او را دو حله پوشاند که تمام دنیا بقیمت آن نرسد و فرموده هر که
ترک لباس زینت کند بتواضع با وجود قدرت حق تعالی او را بر سر خلائق طلب کند و مختار سازد از حلها
ایمان هرچه خواهد بپوشد مفسران گفته اند که کسی از اهل بهشت نباشد مگر آنکه او را سه دست بند باشد
یکی از زر دوم از نقره سوم از مروارید از کعب احبار مرویست که حق تعالی فرشته پیدا کرده است که از روز

پیدایش خود تا روز قیامت زیور بهشتیان تیار میکند از سعید بن جبیر در تفسیر قوله تعالی بَطَائِنُهَا
مِنْ اِسْتَبْرَقٍ یعنی فرشهای بهشتیان را استر از استبرق باشد مرویست که گفته که ظواهر آن یعنی ابرهای شان از نور جامد باشد

فصل مُتَّكِئِينَ فِيهَا عَلَى الْاَرَائِكِ یعنی تکیه زده بر اریکها بنشینند اریکه را در هندی چهپرکهت گویند
که در زیر آن تخت یعنی چهارپایی باشد و بالای آن حجله باشد مجاهد گفته اریکها باشند از مروارید و یاقوت
وَنَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ یعنی تکیها باهم صف بسته از ابن عباس مرویست که خیمه از مروارید مجوف باشد
فرسخ در فرسخ چهار هزار تخته از زر دران باشد مُتَقَابِلِينَ یعنی اهل بهشت رو برو بنشینند بعضی بعضی را
پشت ندهند و در صحیحین از ابی موسی اشعری از آنحضرت صلی الله علیه وسلم مرویست که خیمه یک مروارید مجوف باشد
که شصت کروه عرض آن باشد در هر گوشه از آن اهل خانه باشند برای مومن که دیگر اهل خانه را نبینند و آن مومن بر همه آنها بگذرد

فصل در صحیحین از آنحضرت صلی الله علیه وسلم مرویست که هر کس را در بهشت دو زوجه باشد و ترمذی بسند صحیح از انس
از آنحضرت روایت کرده که تزویج کرده شود مومن هفتاد زوجه گفتند یا رسول الله قوت هفتاد زن داشته باشد
فرمود که قوت صد زن داده شود و ابن عساکر و ابن السکن از حاطب بن ابی بلتعه و احمد و ترمذی از ابی سعید خدری
از آنحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده که هفتاد و دو زن باشند هفتاد از خلقت بهشت و دو زن
از اهل دنیا ازین روایت تطبیق هر سه روایت گشته و در بعضی روایات عدد نساء بکثرت بسیار آمده
شاید آن باعتبار بعض اشخاص باشد لیکن درین روایت دو زن از اهل دنیا شبهه پیش می آید که در حدیث صحیح
که آنحضرت زنان را گفت اُرِيتُكُنَّ اَكْثَرَ اَهْلِ النَّارِ یعنی نموده شدم من اکثر اهل دوزخ زنان را گفتند
چرا یا رسول الله فرمود که شما بسیار لعنت میکنید و کفران نعمت شوهران مینمایید و نیز آنحضرت غرابها را
دیدند دران غرابها یکی بود سفید بازو ها سرخ منقار و سرخ پا فرمود از زنان داخل بهشت نشوند مگر مانند
این غراب از غرابها یعنی بسیار کم و ازین حدیث معلوم میشود که زنان در بهشت از مردان مضاعف باشند
توجیه چنان میتوان کرد که مراد از نفی دخول زنان در بهشت آن باشد که بدون تعذیب داخل بهشت نشوند لیکن
انجام شان به بهشت باشد و مراد اَكْثَرُ اَهْلِ النَّارِ دُخُولًا لَا خُلُودًا بدلیل آنکه علت دخول شان
در دوزخ کفر نعمت فرموده بلکه اکثار لعن و کفران شوهر فرموده و محتمل که مراد آن باشد که هر کس را از امت محمدی

دو زن باشند گو از زنان امم سابقه باشند یا طفل مرده باشند از اطفال مومنین یا اطفال کفار و وقت
دخول جنت جوان باشند در نکاح مردان مکلف داده شوند ای در بهشت ۱۲ لیکن زنان که در دنیا نماز و روزه کرده اند
از همه بهتر باشند زنان بهشت پاک باشند از حیض و بول و غایط و آب دهن و آب بینی و ولد و منی آنحضرت
صلی الله علیه وسلم فرمود که اگر زنی از زنان بهشت ظاهر شود ما بین آسمان و زمین روشن و خوشبو کند روشنی
آفتاب را بپوشد و دامنی سراو از دنیا و ما فیها بهتر باشد فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم که در شب معراج
چون داخل بهشت شدم در موضعی که بیدخ نام دارد دران خیمه یاقوت و مروارید و زبرجد بود و آواز زنان شنیدم
السلام علیک یا رسول الله پرسیدم یا جبرئیل اینچه آواز ست گفت این مَقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ
اند از حق تعالی اذن خواستند که بر تو سلام گویند اذن شد پس آنها گفتند ما زنانیم راضی گاهی ناخوشی
نکنیم و همیشه باشندگان گاهی سفر نکنیم طبرانی از ابی امامه روایت کرده که آنحضرت صلی الله علیه وسلم
فرموده که حوران بهشت از زعفران مخلوق باشند و ابن مبارک از زید بن اسلم آورده که پیدایش آنها
از مشک و زعفران و کافور باشد از خاک و طبرانی و بیهقی از ام سلمه روایت کرده که آنحضرت فرمود
صلی الله علیه وسلم که زنان دنیا از حوران بهشت در حسن افضل باشند مانند فضل ابره بر استر بسبب نماز و روزه حق تعالی
رویهاشان را نورانی شد و جسدهاشان را سفیدی و خوبی و مجامرشان از مروارید و شانهاشان از زر باشد ام سلمه
پرسید یا رسول الله زنی در دنیا دو شوهر کند یا سه یا چهار در بهشت کرا باشد فرمود که او را اختیار داده شود
ایش اختیار کند تا بهتر را در اخلاق و همچنین ام حبیبه روایت کرده و ابن سعد از ابی الدرداء روایت کرده که زن آخر
ازواج را باشد و ابن سعد از ابی بکر صدیق رضی الله عنه روایت کرده که اگر زنی را شوهر صالح
مرد و آن زن شوهر دیگر نکرد در بهشت با وی جمع شود حق تعالی میفرماید إِنَّا أَنْشَأْنَاهُنَّ إِنْشَاءً
فَجَعَلْنَاهُنَّ أَبْكَارًا عُرُبًا أَتْرَابًا یعنی حق تعالی زنان دنیا را چون در بهشت داخل خواهد کرد
باکره و عاشقه شوهر خود و همه زنان یک عمر باشند و ترمذی و بیهقی از انس از آنحضرت صلی الله
علیه وسلم روایت کرده که پیرزنان کور چشم و چرکین چشم را حق تعالی جوان ابکار سازد و نیز همچنین ام سلمه
روایت کرده و در دیگر احادیث آمده که اهل بهشت مرد و زن همه بیک عمر باشند سی و سه ساله

له نگاه داشته شده در خیمها

حق تعالی میفرماید حُوْرٌ عِیْنٌ یعنی سیاه چشم و کلان چشم کَاَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَکْنُوْنِ یعنی مانند مروارید در صدف و میفرماید خَیْرَاتٌ حِسَانٌ یعنی نیک خو و خوش رو ابن مبارک از اوزاعی روایت کرده نیک خو باشند زبان دراز بیهوده گو نباشند رشک یکدیگر نکنند ایذا ندهند قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ یعنی چشم خود بر ازواج خود کوتاه دارند بسوی دیگری نه بینند و فرموده کَوَاعِبَ اَتْرَابًا یعنی پستان نوخاسته هم سن ابن ابی الدنیا از انس از آنحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده که حور بهشتی اگر در دریای شور آب دهن اندازد تمام دریا شیرین شود بیهقی از ابن عباس از آن سرور روایت کرده که اهل بهشت را قوت جماع آنقدر باشد که در صبحگاه با صد زن جماع کند و طبرانی از ابی امامه از آنحضرت روایت کرده که آلت مجامعت مانده نشود و شهوت منقطع نگردد و بزار وغیره از ابی سعید از آنحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده که اهل بهشت با زنان خود جماع کنند با زن باکره شود لیکن از جماع در جنت توالد نباشد و اگر کسی احیانا آرزوی ولد کند حمل و زادن و جوان شدن مولود در یک ساعت دست دهد کذا رواه الترمذی والبیهقی وغیرهما عنه صلی الله علیه وسلم در حدیثی آمده که مردی با یکی از حوران صحبت داشته باشد ناگاه نوری از بالا ظاهر شود گمان برد که تجلی حق شده ظاهر شود که حوری ست بهتر از اول میگوید که ای ولی خدا آیا مرا با تو نصیبی نیست چندی با وی صحبت دارد و باز همچنین دیگری ظاهر شود بهتر از ثانیه و همچنین و همچنین رسول فرمود صلی الله علیه وسلم هر که غصه فرو برد با وجود قدرت حق تعالی او را بر سر خلائق طلب کند و مختار سازد در حوران هر که را خواهد بگیرد و فرموده که سه چیز اند هر کسی را یکی از آن باشد او را حور عین داده شود کسی که امانت مخفی بخوف خدا ادا کند و خیانت نکند و کسی که قاتل خود را ببخشد و کسیکه بعد هر نماز سوره اخلاص خواند و فرموده مهر حوران قبضهای خرما و پاره چپاتی نان است یعنی آنچه بدرویشان بدهد و فرموده جاروب کشی مساجد مهر حوران است و فرموده که بهشت زینت میگیرد از سالی تا سالی برای ماه رمضان و حوران زینت میگیرند از سالی تا سالی دیگر برای ماه رمضان چون رمضان داخل شود بهشت گوید الهی بگردان درین ماه از بندگان خود ساکنان درمن و حوران

گویند الهی بگردان از بندگان خود برای ما شوهران که سرد شود چشم ما از انها و چشم آنها از ما و فرمود در بهشت حور باشد عینا هفتاد هزار غلام بر دست راست و همچنین بر دست چپ او در راه روند و بگویند کجا باشند امر کنندگان معروف و نهی کنندگان از منکر و فرمود که اگر زنی مردی را در دنیا ایذا کنند زن او از حوران گوید ایذا مده این را که مهمان است نزد تو قریب است که از تو جدا شود بسوی ما آید حوران بهشتی را گفته شود که میخواهید که شوهر خود را ببینید گویند آری انگاه پردها از میان برداشته شود او را ببینند و اشتیاق ملاقات نمایند

فصل از ابی هریره و ابن عمر وغیره مرویست که حوران بآواز خوش سرود کنند کسی نشنیده باشد مثل آن به تسبیح و تقدیس و حمد و ثنای پروردگار و شکر او تعالی باین الفاظ نَحْنُ حُوْرٌ حِسَانٌ اُهْدِیْنَا لِاَزْوَاجٍ کِرَامٍ وَنَحْنُ الْخَالِدَاتُ فَلَا نَمُوْتُ وَنَحْنُ الرَّاضِیَاتُ فَلَا نَسْخَطُ وَنَحْنُ الْاٰمِنَاتُ فَلَا نَخَافُ وَنَحْنُ الْمُقِیْمَاتُ فَلَا نَظْعَنُ و در حدیث است که اگر اهل بهشت رغبت سرود کنند بادها را حکم شود که و شاخهای سبز درختان که از مروارید است در آیند و حرکت دهند بقسمی که آوازها خوش سرایند و درختان را حکم شود که بندگان من که خود را در دنیا از معازف و مزامیر باز داشته بودند آنها را بشنوانند پس آوازهای خوش از درختان به تسبیح و تقدیس بر آید و نیز ملایکه آوازهای خوش به تسبیح و تقدیس گویند و گویند لَا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَلَا هُمْ یَحْزَنُوْنَ و نیز در حدیث آمده که داود علیه السلام را حکم شود و آن حضرت باواز خوش حمد خدا خواند و تکلیم در نوادر الاصول از ابی موسی از آنحضرت صلی الله علیه و سلم آورده که فرموده که هرکه در دنیا سرود بشنود او را اذن نشود که آواز روحانیان قرّاء اهل بهشت بشنود

فصل ظروف بهشت از زر و از نقره باشند شفاف مثل شیشه قوله تعالی کَانَتْ قَوَارِیْرَا قَوَارِیْرَ مِنْ فِضَّةٍ همین معنی دارد ظرف زر و نقره در دنیا هرچند باریک باشد شفاف نباشد هرکس را از اهل بهشت هفتاد ظرف از زر و نقره پیش آورده شود در هر یک رنگی از طعام باشد که در دیگر نباشد

فصل مردم که داخل بهشت شوند عداوتهای شان که در میان باشد دور شود و با هم دوست و محب شوند ادنی اهل بهشت را هزار خادم باشد و در حدیثی پنجهزار آمده و در حدیثی ده هزار خادم از ولدان مخلد یعنی امردان که همیشه امرد باشند در قرآن است که ملائکه در بهشت داخل شوند و بر مومنان سلام کنند

در بهشت کذب و لغو و هزل و دشنام و مانند آن نباشد مردی پرسید یا رسول الله در بهشت اسپ باشد فرمود اگر داخل بهشت شوی هرگاه سواری اسپ خواهی اسپی از یاقوت سرخ را سوار شوی او را پر باشد بپرد با تو و هر جا که خواهی رساند دیگری گفت یا رسول الله شتر باشد فرمود اگر داخل بهشت شوی هر چیز را که دل تو خواهد و چشم ترا لذت دهد مهیا باشد

فصل در بهشت بازار باشد که دران بیع و شرا نیست مگر صورتهای مردان و زنان دران باشند هر صورت که کسی را خوش کند بهمران صورت گردد طبرانی از ابی الدرداء از انحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده در جنت عدن سوای انبیا و شهدا و صدیقان کسی نباشد و باشد دران انچه دید و در خطره کسی هم نگذشته باشد فقیر گوید که شاید مراد ازین حدیث آن باشد که دران رؤیت حق تعالی دائمی باشد مسلم از انس از انحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده که در بهشت بازار باشد دران تودهای مشک باشند روز جمعه مردم دران جا روند باد شمال بر انها وزد و مشک بر روهای و بر جامهای شان افشاند حسن و جمال زیاده شود چون نزد اهل خود روند آنها گویند والله شما حسن و جمال زیاده کردید و در احادیث آمده که طیور بهشت مثل شتر بختی باشند چون شخصی قصد خوردن آن کند بر خوان او پیش آید و ازان هر لذت خورد باز آن طائر بپرد و برود و در بهشت با هم ملاقاتها کنند بر شترها سوار شده و بر اسپان که نه بول کنند و نه سرگین و ابن ابی الدنیا از علی رضی الله عنه روایت کرده که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که در بهشت درختی باشد که از بالای آن حلها و از زیر آن اسپان ابلق از زر که زینهای شان و لگامهای شان از مروارید و یاقوت باشد و آنها را پر باشد و آنها قدم نهند جائیکه بصر رسد اولیاء الله بران سوار شوند و بگذرند دیگر مردم که در مرتبه پست باشند بگویند یا الهی اینها کیستند که نور شان نورهای ما را فرو نشانده و ما که اینها در راه خدا انفاق میکردند و شما بخل میکردید و اینها جهاد میکردند و شما می نشستید بیهقی از مجاهد و ابی سلیمان در تفسیر قوله تعالی وَاِذَا رَاَيْتَ ثَمَّ رَاَيْتَ نَعِيْمًا وَّمُلْكًا كَبِيْرًا گفت که ملک کبیر آنست که فرستاده رب العزت تحفها و لطفها بروی آرد و بوی نرسد تا که اذن دخول طلب کند از حاجب و آن حاجب از حاجب دیگر و همچنین اذن دهد ولی الله بدخول و هرگاه آن ولی خواهد بی اذن پروردگار خود مشرف شود فقیر گوید این از انجاست که حق تعالی اقربست از حبل الورید و حجب غفلت درمیان نیست که حضور دائمی دارد

فصل ترمذی و حاکم از بریده روایت کرده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که اهل بهشت
یکصد و بیست صف باشند از انجمله هشتاد صف از امت من و چهل از دیگر امم دیلمی و ابن عساکر
از جابر روایت کرده که مومنان هر جمعه زیارت حق تعالی کنند حق تعالی بفرماید که بخواهید از من
هرچه خواهید مردم بعلما رجوع کنند که چه چیز درخواست کنیم علما وجوه سوال آموزند پس مردم بعلما
در بهشت هم محتاج باشند و طبرانی و بیهقی و ترمذی از انحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده
که اهل بهشت بر هیچ چیز حسرت نکنند مگر بر ساعتی که در دنیا دران ذکر خدا نکرده باشند ابن عساکر از
امیر المومنین علی رضی الله عنه از انحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده که بوی بهشت بر هزار ساله راه
میرسد و بوی بهشت عقوق کننده والدین را و قاطع رحم را و پیر زانی را و کسیکه از تکبر دامن دراز کند نرسد

فصل اهل بهشت در بهشت با برادران و یاران و دوستان ملاقاتها کنند و ماجراهای دنیا یاد کنند
بزار و بیهقی و غیرهما از انس روایت کرده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که چون بهشتیان
داخل بهشت شوند اشتیاق برادران کنند پس تخت یکی مقابل تخت دیگری آید و باهم سخن گویند
انچه در دنیا گذشته بود و اهل بهشت دوزخیان را هم نه بینند و هرگاه بهشتیان خواهند با پیغمبران
و اصحاب درجات عالی ملاقات نمایند طبرانی و ابونعیم و غیره از عائشه رض روایت کرده که مردی نزد
پیغمبر صلی الله علیه وسلم آمد و گفت یا رسول الله من ترا از جان خود و اهل و ولد خود دوست تر میدارم
و چون بخانه میروم بی تو صبر نمیتوانم کرد تا که بخدمت می آیم لیکن چون مردن خود و مردن ترا خیال میکنم
می ترسم که تو در بهشت در مقام پیغمبران باشی و من اگر ببهشت رسم ترا نه بینم آنحضرت جواب نداد
تا که جبرئیل نازل شد و این آیت آورد وَمَنْ يُّطِعِ اللّٰهَ وَالرَّسُوْلَ فَاُولٰٓئِكَ مَعَ الَّذِيْنَ
اَنْعَمَ اللّٰهُ عَلَيْهِمْ مِّنَ النَّبِيّٖنَ وَالصِّدِّيْقِيْنَ الاية احمد و طبرانی از ابی هریره و معاذ
بن جبل رضی الله عنهما از انحضرت صلی الله علیه وسلم آورده که هرکه در بهشت شود یعنی در دنیا صغیر باشد
یا کبیر همه شان اجرد باشند یعنی بر تمام بدن شان موی نباشد و امرد باشند و عمر شان
سی و سه سال باشند یکسان نه کم نه زیاده و در چشم سرمه کشیده و ابن ابی الدنیا از ابن عباس آورده

که در بهشت موسی علیه السلام را ریش باشد تا سینه دیگری را نباشد و از کعب احبار مرویست که آدم علیه السلام را ریش سیاه تا ناف باشد دیگری را نباشد شاید که هر دو را باشد نه غیر آنها را و ابن عدی از علی و جابر رضی الله عنهما روایت کرده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که جمیع اهل بهشت بنامهای شان گفته شوند مگر آدم علیه السلام را ابو محمد ابو احمد گفته شود صلی الله علیه وسلم و طبرانی از ابن عباس آورده که زبان اهل بهشت عربی باشد و قرطبی گفته که چون مردم از قبور برآیند زبان سریانی باشد و در بهشت زبان عربی باشد و در صحیحین از عمران بن حصین از انحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده که دیدم اکثر اهل جنت فقرا و اکثر اهل جهنم زنان و بزار از انس از انحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده که اکثر اهل بهشت ابله باشند یعنی غافل از امور دنیا و آگاه از امور آخرت و ذهبی گفته یعنی سینه صاف و خوش گمان و ازهری گفته غافل از شر و مسلم از ابی هریره از انحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده که داخل بهشت شوند جماعتها که دلهای شان مثل دلهای پرندگان باشد یعنی خائف و گریزان از اختلاط عوام و در صحیحین از ابی سعید خدری از انحضرت صلی الله علیه وسلم مرویست که حق تعالی اهل بهشت را گوید که شما راضی شدید گویند چرا راضی نشویم که ما را نعمتها دادی که کسی را از مخلوقات ندادی حق تعالی بفرماید آیا نداده ام شما را انچه ازین همه افضل ست گویند ازین افضل چه باشد فرماید که از شما راضی شده ام که گاهی ناراض نشوم

فصل بزرگترین نعمتهای بهشت دیدار خداست جل و علا روافض و خوارج و معتزله از ان انکار دارند اهل سنت و جماعت بدان معتقد شده اند حق تعالی میفرماید وُجُوهٌ يَّوْمَئِذٍ نَّاضِرَةٌ إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ و میفرماید لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ ط مراد از حسنی بهشت ست و از زیاده دیدار حق تعالی تفسیر این آیت باین معنی از هر چهار خلفای راشدین و ابی بن کعب و کعب بن عجره و ابن مرودیه و انس و ابو هریره و ابو موسی اشعری و ابن عباس و ابن مسعود و غیره مرویست و رسول فرمود صلی الله علیه وسلم قریبست که خواهید دید پروردگار خود را روز قیامت چنانچه می بینید ماه را در شب چهار دهم در حالیکه هیچ حجاب در میان نباشد یحیی بن سعید گفته که در رؤیت حق تعالی

جن نه داخل بهشت شوند و نه داخل دوزخ و همچنین از ابی حنیفه نقل میکنند لیکن حق آنست که مومنان جن را ثواب و کافران را عذاب خواهد شد قال الله تعالی خطابا للثقلین وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّتَانِ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ وقال لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ وقال الله تعالی حکایة عن کلام الجن وَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَٰئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا و بیهقی از انس از انحضرت صلی الله علیه و سلم روایت کرده که مومنان جن را ثواب باشد و بر انها عقاب باشد پس سوال کردیم از ثواب آنها فرمود بر اعراف باشند در بهشت با امت محمد صلی الله علیه و سلم نباشند پرسیدیم که اعراف چیست فرمود جای ست بیرون بهشت دران نهرها جاری اند و درختها و ثمرها و از ابن وهب مروی ست که پرسیده شد که جن را ثواب باشد گفت آری حق تعالی میفرماید أُولَٰئِكَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ وَلِكُلٍّ دَرَجَاتٌ مِمَّا عَمِلُوا و بیهقی از ابن عباس روایت کرده که خلق چهار قسم اند یک خلق تمام در بهشت باشند و آن ملائکه و یکی تمام در دوزخ و آن شیاطین اند و دو خلق بعضی در بهشت و بعضی در دوزخ و آن جن و انس و حمزه بن حبیب گفته جن داخل بهشت شوند برای جن جنیات باشند و برای انس انسیات

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ خَالِقِ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ
وَالصَّلٰوةُ وَالسَّلَامُ عَلٰی مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ
الْمُخْتَارِ قَسِيمِ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ
وَعَلٰی آلِهِ وَأَصْحَابِهِ الْأَبْرَارِ
الْأَخْيَارِ

تمت

خاتمة الطبع پس از سپاس آفریننده مبدء و معاد و بهشت و دوزخ جزا دهنده عباد و درود سید رسل شافع کل در مقام محمود و برآرنده عاصیان از میان آتش و دود و خوشنودی اهل بیت و اصحاب صاحبان میزان گران و از بالای پل چون برق گذرانندهٔ امت نموده می آید که چنانچه تذکرهٔ احوال موتی و بیان شدائد قبور باعث اقدام بر طاعت و اعراض از معصیت بود همچنین تذکرهٔ احوال آخرت و معاد و امید و بیم ثواب و عقاب یوم التناد علت گذاشتن موجبات وقوع در نیران و طلب کردن اسباب دخول در جنان است نظر بوجه پیشین پیش ازین رسالهٔ متبرکهٔ **تذکرة الموتی والقبور** بطبع درآمده جلوه فرمای جهان گردیده اکنون نظر بوجه پسین و برحسب ایفای وعدهٔ سابقه که در خاتمهٔ رسالهٔ موصوفه مطبوعه پیرایهٔ تحریر پوشیده بود کتاب هدایت نصاب **تذکرة المعاد** از افادات جناب علم الهدی علامة الوری مولانا قاضی **محمد ثناء الله** صاحب قدس سره به تصحیح تمام و تنقیح مالاکلام و ترجمهٔ عبارات عربیه و ثبت حواشی ضروریه باهتمام امیدوار افضال یزدمنان **محمد عبد الرحمن بن حاجی محمد روشن خان** مغفور در مطبع نظامی واقع کانپور بماه جمادی الاخری سنه ۱۲۸۰ هجری پیرایهٔ طبع در پوشیده رغبت افزای دینداران بطاعت و اعراض فرمای گنهگاران از معصیت گشت هرگاه اهل نظر چشم بصیرت برین شاهد زیبا بگشایند و دیدهٔ دل را بدیدارش نور و سرور افزایند احقر را در وقت خاص بیاد آورده بدعای حسن خاتمه ممنون فرمایند چون طبع خاکسار بطبع مصنفات جناب قاضی صاحب قدس سره رغبتی تمام دارد خصوصاً تفسیر مظهری که همگی همت و جملگی نهمت خواهان طبعش میباشد فاما سرمایهٔ حصول این مأمول دست نمی دهد اگر بزرگان توجه دلی را در دعا کار فرمایند همانا افضال ایزدی اسباب طبعش را ارزانی فرموده آن مخدرهٔ رعنا را از مطمورهٔ قلت بر منصهٔ کثرت بجلوه گری نشاند و دیدهٔ آرزومندان دیدارش را نورآگین و مسرت آما گرداند

آمین رب العالمین والصلوٰة والسلام علی رسوله محمد و آله واصحابه وازواجه اجمعین

وجه ختم مهر خاتمه برای سند این معنی که این کتاب مطبوع مطبع نظامیست مهر و دستخط مهتمم نموده شد

محمد روشن خان حنفی
محمد عبد الرحمن بن حاجی

کتب خانه آصفیه

العبد
محمد عبد الرحمن